

گونه‌شناسی رویکردها به حدیث در حوزه علمیه قم در سده اخیر^۱

سید مجتبی مجاهدیان*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۵

چکیده

بررسی اهتمام به حدیث در جهان اسلام، ما را با دورویکرد کلی تقابلی و تعاملی، از سوی مخالفان و موافقان حدیث آشنا می‌کند. این پژوهش توصیفی - تحلیلی، برای این است که رویکردهای مختلف به حدیث را در حوزه علمیه قم، مشخصاً در سده اخیر، احصا، برشماری و تحلیل نماید. در رویکرد تعاملی - با سه گرایش افراطی، تقریبی و اعتدالی - گونه‌ها و نمونه‌های متنوع در هر یک، شناسایی و تحلیل می‌شوند. در گرایش اعتدالی، ضمن دو نگره تعامل متعادل و هوشمندانه «قرآن‌محوری و حدیث‌مداری» و «دوگانه محوری» که اولی بر جامعیت قرآن و دومی بر اصالت و استقلال حدیث در جنب قرآن تأکید دارد، نقش‌های تقریری و تبیینی و به ویژه نوگستری سنت مورد تأمل است. این نوشتار مدعی است، جریان رو به رشد شکوفایی روشمند حدیث از یک/ دو دهه گذشته به این سوی، ریشه در نگاه اخیر دارد. در رویکرد تعامل حداکثری، جریان‌ها و خرده‌جریان‌هایی که به نحو افراطی یا به جذب حداکثری از حدیث می‌اندیشند، مورد تحلیل قرار می‌گیرند؛ یعنی فرهنگستان علوم اسلامی، دغدغه‌مندان احیای نهج البلاغه، گروه باطنی - عرفانی متساهل، نص‌گرایان معاصر، نونص‌گرایان تفکیکی و مدعیان طب اسلامی. جریان قرآن‌بسندگان در تفسیر یا خرده‌جریان‌های عرضه به قرآن، با فصل مشترک نقد حیثیت استقلالی حدیث و عرضه آن بر قرآن، در تعاملی حداقلی، به نقد اسلام حدیث‌محور گرایش دارند. نیز خرده‌جریان بازخوانی حدیث و گفتگوی انتقادی با آن، و جریان روشن‌فکری دینی با اهتمام در فروگاهی نقش سنت، در تعامل تقریبی و انقادی با حدیث به سر می‌برند. و بالاخره در

۱. به مناسبت یک صدومین سال تأسیس حوزه علمیه قم.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث قم، و مدرس دانشگاه. mojahedian@gmail.com

رویکرد تقابلی، مواجهه شکاکانه قرآن‌بسندگان مخالف حدیث مورد تحلیل قرار می‌گیرد که در حاشیه حوزه‌اند، نه در متن آن.
کلیدواژه‌ها: حدیث، سنت، رویکرد به حدیث، تعامل و تقابل با حدیث، رویکرد هوشمندانه به حدیث، حوزه علمیه قم.

۱. طرح مسئله

اگر برای فهم دین از منبع دیگری به جز «قرآن» در بین اغلب مسلمانان سخن به میان آید، حتماً حرف به «حدیث» کشیده می‌شود. از همان ابتدا، جایگاه و اعتبار حدیث و اصطلاحاً «حجیت» آن در اندیشه همه مسلمانان یکسان نبوده و نیست. اصولاً گروه‌ها، فرقه‌ها، طیف‌ها و جریان‌های دینی، فکری، فرهنگی و حتی سیاسی در فضا و جغرافیای اسلامی، محصول نوع نگاه و چگونگی نگرش و میزان ارتباط و نسبت هر یک از آن‌ها با قرآن و حدیث بوده است. حتی اگر خود نیز پدیده این رویکرد نباشند، اعتبار و جایگاه آن‌ها به نسبت کمی و کیفی، با این دو منبع، سنجیده می‌شود.

نتیجه بررسی رویکردهای کلی به حدیث در جهان اسلام، ما را با دو رویکرد تقابل و تعامل با حدیث، از سوی مخالفان و موافقان آن آشنا کرده است. اما آنچه پرسش اصلی پژوهش پیش‌روست، این‌که آیا در حوزه علمیه قم در سده اخیر، مشخصاً از سال ۱۳۰۱ شمسی و تجدید حیات حوزه توسط حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمته‌الله، نیز همین دو رویکرد کلی تاریخی به حدیث جریان دارد، یا یک رویکرد واحد و یا رویکردهای متعدد در جریان است؟ آیا ضمن بررسی مواجهه با حدیث در این حوزه، می‌توان گونه‌های محتمل متنوع و متعدد آن را مورد احصاء، برشماری و تحلیل قرار داد و نتیجه آن را تدوین نمود؟ لازم به ذکر است که مراد از «رویکرد» در این پژوهش توصیفی - تحلیلی گونه‌شناسانه، می‌تواند انواع: مواجهه، جهت‌گیری، موضع‌گیری، سوگیری، نگرش و گرایش، و راه و روش خاص ارتباط با هدف - که اینجا حدیث است - باشد.

۲. گونه‌های رویکرد به حدیث در حوزه معاصر قم

در بررسی انواع مواجهه با حدیث در حوزه علمیه قم در سده اخیر، با دو گونه رویکرد کلی موافقان و مخالفان حدیث مواجه می‌شویم. طبیعی است که به نسبت عمق و گستره و میزان تأثیرگذاری، تمرکز این پژوهش، بر رویکرد غالب و گرایش‌های ذیل آن قرار گیرد.

بنابراین، در این نوشتار، ماهیت معرفتی و اصول اندیشگی جریان‌های معاصر حوزه قم را - که در دورویکرد کلی تعاملی و تقابلی (به حد اعتدالی یا اکثری یا اقلی) با حدیث و سنت^۱ در ارتباط اند - مورد رصد و شناسایی قرار داده و طیف‌ها و نمایندگان هر یک، مجزا تبیین و تحلیل می‌شوند.

همچنین یادآور می‌شود که علاوه بر بیان نوع و گونه هر رویکرد و گرایش‌های ذیل آن، سیر تطور تاریخی بحث نیز در این بررسی محل امعان نظر است. همچنین، عمده‌ترین آسیب‌ها و نقدهای وارد بر هر جریان، به صورت گذرا مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱-۲. رویکرد تعاملی (موافقان حدیث)

در ابتدا باید اذعان نمود که «تعامل» در اینجا می‌تواند ارتباط متقابل، تبادل و داد و ستد، هم‌کنشی، گفتگوی مستقیم، درک و جذب یکدیگر، کنار آمدن و همکاری نمودن معنا شود. با بررسی سیر تطور دانش حدیث در عصر حاضر، رویکردهای تعاملی چندی از سوی موافقان حدیث در حوزه علمیه قم قابل برشماری و ارزیابی است. البته جریان کلی موافقان حدیث، در دل خود، حاوی حداقل سه گرایش اعتدالی، حداکثری و حداقلی است که هر یک جریان‌ها یا خرده جریانی را در درون خود مدیریت می‌کند که عبارت‌اند از:

۱-۱-۲. رابطه هوشمندانه با حدیث (تعامل اعتدالی)

گرایش اعتدالی یا رویکرد تعامل متعادل و عالمانه و هوشمندانه با حدیث، دیدگاه غالب جامعه علمی - دینی در جهان شیعی معاصر، به ویژه در حوزه علمیه قم است؛ یعنی قاطبه علمای حوزه‌های علمیه همین نگاه را در مواجهه با دومین منبع اصیل دین دارند. این رویکرد کلی معتقد است که سنت در پرتویا در جنب قرآن، به عنوان مهم‌ترین گزاره دینی، در حیطه هدایت فردی و اجتماعی بشر دخیل است و با سرنوشت انسان ارتباط دارد. البته دو نگره در این گرایش اعتدالی قابل شناسایی و تفصیل است:

۱-۱-۱-۲. «اصالت حدیث» در جنب اصالت قرآن (نگره مشهور)

اصالت قرآن و حدیث و حجیت توأمان هر دو، نظریه مشهور فریقین است که علمای حوزه‌های علمیه شیعه و از جمله قم، از آن مستثنا نیست. شاید مهم‌ترین برهان برای این ادعا

۱. البته بین سنت و حدیث، تفاوت است؛ سنت، صادره بی‌واسطه معصوم علیه السلام است، اما حدیث گزارش از سنت است و چون واسطه در نقل دارد، حجتش به وثوق مخبرین است.

– که مشهور مسلمانان، به قرآن و سنت به عنوان دو منبع مستقل می‌نگرند – بر شمردن سنت در کنار قرآن به عنوان دومین منبع و مدرک استنباط احکام در کتب فقه و اصول عامه و خاصه باشد.^۱

اعتقاد به دوگانه محوری قرآن و حدیث، بر این دلیل استوار است که کلام الله مجید وحی قرآنی است و حدیث نیز وحی بیانی.^۲ پس هر دو در کنار هم، اصالت و حجیت دارند. علاوه بر این، از دیدگاه علمای امامیه، مهم‌ترین مستند اصالت و حجیت کتاب و سنت، حدیث متواتر ثقلین است.

در نظریه دوگانه محوری، سنت به عنوان منبعی مستقل در عرض قرآن قرار دارد؛ اما در تعامل و ترابط مدام با آن. طبق این نظریه، روابط و تعاملی وثیق میان قرآن و حدیث برقرار است. این نشان می‌دهد که قرآن بی‌نیاز از سنت نیست؛ از جمله در مواردی قرآن مجمل و حدیث مبین است، قرآن مطلق و حدیث مقید است و قرآن مفسر و حدیث مفسر است.^۳ به عبارت دیگر، سنت می‌تواند هم نقش تقریری، هم نقش تبیینی و هم نقش نوگستری داشته باشد؛ یعنی افق‌های نوینی را پیش روی ما بنمایاند. این قسم سوم (نوگستری)، جنبه استقلالی سنت را می‌رساند که وجه تمایز آن با نظریه علامه طباطبایی (در نگره بعدی) است. بر اساس نظریه دوگانه محوری، ضرورت ندارد که قرآن حاوی و جامع همه علوم باشد، بلکه با توجه به نقش نوگستری، سنت متکفل بخشی از آموزه‌ها و معارف دینی است.^۴

مستند به شواهد متعدد، امام سید روح‌الله موسوی خمینی (۱۲۸۱ – ۱۳۶۸ ش) بر نظریه اصالت عترت (ثقل کبیر) در جنب اصالت قرآن (ثقل اکبر) است؛ از جمله آنجا که به حدیث ثقلین اشاره کرده، از مهجور بودن از حقایق مقام والای «ثقل اکبر» و «ثقل کبیر» که از هر چیز اکبر است، جز ثقل اکبر که اکبر مطلق است،^۵ گله می‌کند و ضمن تفسیر بخش مهم آن، بر همپایگی ثقلین تأکید می‌ورزد:

۱. رابطه متقابل کتاب و سنت، ص ۲۷۹.

۲. رک: «وحی قرآنی و وحی بیانی»، ص ۴۹ – ۶۲.

۳. درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر، ص ۱۵۰.

۴. رابطه متقابل کتاب و سنت، ص ۲۸۷ – ۳۳۲.

۵. وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی علیه السلام، ص ۷. همین نگاه و نظرها قرآن‌شناس معاصر علامه سیدعلی کمالی دزفولی (۱۲۹۰ – ۱۳۸۳ ش) نیز دارد؛ چنان‌که حتی در نام‌گذاری دواثر مهمش نمود آن را می‌بینیم: «قرآن ثقل اکبر» و «عترت ثقل کبیر».

لَنْ يُفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ اشاره باشد بر این که ... مهجوریت هر یک مهجوریت دیگری است.^۱

آنگاه افتخار خود را بر پیگیری توأمان «مقاصد قرآن و سنت»^۲ برمی شمارد. امام در تفسیر سوره حمد به جنبه تبیینی و تفسیری سنت در قبال کتاب تصریح کرده، می فرماید:

ما یک صوتی، یک پرده‌ای از پرده‌های کتاب خدا را می فهمیم، و باقی اش محتاج به تفسیر اهل عصمت است، که معلّم به تعلیمات رسول الله بوده‌اند.^۳

همچنین می توان مستند به این جمله کلیدی آیه الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای (زاده ۱۳۱۸ش)، دیگر دانش آموخته حوزه علمیه قم، که: «با یک نظر، حدیث، مادر بسیاری از علوم اسلامی یا همه آن هاست»^۴ اشاره معظم له را به وجه منبعی حدیث و ناظر به نقش نوگستری و تولیدگری آن دانست.

قرآن پژوه معاصر آیه الله محمد هادی معرفت (۱۳۰۹-۱۳۸۵ش)، نیز همچون استادش، زعیم حوزه نجف اشرف، آیه الله العظمی خویی،^۵ بر نگره مشهور دوگانه محوری بر اساس حجیت و منبعیت کتاب و سنت باورمند است. وی نقش و جایگاه ویژه‌ای برای روایات قایل است؛ به حدی که التفسیر الاثری الجامع را به عنوان آخرین تلاش علمی خود - که برآورد می شود در شصت جلد تدوین گردد - با دستگیری جمعی از شاگردان، به نگارش درآورد. معرفت در مقدمه این تفسیر، تصریح می کند:

پیامبر ﷺ در کنار قرآن، منبع دیگری برای تبیین و تفسیر قرآن است.^۶

وی در همین مقدمه به اشاره، همه نقش های قابل تصور سنت را، برای روایات قطعی الصدور و یقین آور برمی شمارد؛ هر چند خود یکی از طرفداران شیوه تفسیر قرآن به قرآن است و از این حیث گاه با نظرات همدلانه خود با نگره قرآن محوری و سنت مداری علامه، هم داستان می شود.^۷ البته می توان از برخی شاگردان مشهور علامه نام برد که برخلاف انتظار

۱. وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره)، ص ۷.

۲. همان.

۳. تفسیر سوره حمد، ص ۹۳.

۴. «پیام به مناسبت افتتاح مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث»، به نقل از وبگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیه الله سیدعلی خامنه‌ای.

۵. البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۹۷-۳۹۸.

۶. تفسیر اثری جامع، ج ۱، ص ۱۷۳.

۷. معرفت قرآنی، ج ۱، ص ۱۷۵.

از معتقدان به نظریه مشهورند؛ مانند آیه الله محمدتقی مصباح یزدی (۱۳۱۳-۱۳۹۹ش)؛ آنجا که بر جامعیت دین بر دو پایه تقلین پای می‌فشارد، نه بر جامعیت قرآن به تنهایی.^۱

۲-۱-۱-۲. «حجیت حدیث» در پرتو اصالت قرآن (نگره علامه)

برخی از قرآن پژوهان، مکتب «تفسیر اجتهادی قرآن به قرآن» علامه سید محمدحسین طباطبایی (۱۲۸۱-۱۳۶۰ش) قرآن شناس بزرگ معاصر را به نوعی ذیل جریان کلی قرآنیون، به ویژه رویکرد عرضه به قرآنی‌ها، تعریف می‌کنند. البته متذکر می‌شوند:

در تعیین این‌که وی به نظریه دوم (قرآن‌بستگی در تفسیر) قابل است و یا آن را نیز قبول ندارد و قابل به نظریه سوم [یعنی توقف نداشتن اعتبار تفسیر بر وجود روایات و استفاده حداکثری از قرآن در تفسیر] است، به تأمل و دقت نیاز دارد.^۲

اما مستند به عباراتی از المیزان و دیگر آثار علامه، دقیق‌ترین است که باید نظریه وی را «قرآن‌محوری و سنت‌مداری»^۳ دانست؛ یعنی اصالت قرآن و حجیت حدیث. این دقت علامه در تمایز میان اصالت و حجیت، به جایگاه طولی سنت در برابر قرآن در اندیشه وی بر می‌گردد. به عبارت دیگر، اگر چه علامه به ضرورت حضور منبع تبیینی سنت در سایه قرآن در بعضی حوزه‌ها، به ویژه احکام، اعتقاد دارد و اذعان به حجیت و کارسازی آن می‌کند، اما برخلاف نگره مشهور، از نظریه سنت نمی‌تواند به طور مستقل آبشخور استخراج آموزه‌های دینی باشد. در این نظریه بدیع، اگر چه قرآن و سنت در طول هم قرار دارند نه در عرض یکدیگر، و سنت در اساس حجیت و محتوا، و امداد قرآن است، اما سنت در نقش معلم، متولی آموزش متن محوری و بنیادین شناخت دین یعنی قرآن است.^۴

در ادامه تلاش علمی علامه، شاگرد وی مفسر شهیر حوزه، آیه الله عبدالله جوادی آملی (زاده ۱۳۱۲ش) نیز بر همین نظر است؛ البته با تقریر خاص خود.^۵ وی در ترسیم رابطه کتاب و سنت، با تأکید بر حجیت بالفعل، ذاتی و مستقل قرآن در تبیین خطوط کلی معارف دین،

۱. رک: تبیین مفهوم مدیریت اسلامی، ص ۱۳. البته آیه الله جوادی آملی نیز در کتاب شریعت در آینه معرفت، ص ۱۳ و برخی آثار دیگر، بر جامعیت قرآن بر دو پایه قرآن و سنت، تأکید می‌کند.

۲. رک: مکاتب تفسیری، ج ۲، ص ۱۳۳.

۳. رک: رابطه متقابل کتاب و سنت، ص ۲۴۲ و ۲۵۳.

۴. همان، ص ۲۵۴؛ نیز: درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر، ص ۱۵۲.

۵. رک: تحلیل دیدگاه آیه الله جوادی آملی و مقایسه آن با نگرش علامه طباطبایی در: رابطه متقابل کتاب و سنت، ص ۲۶۴.

و بی‌نیازی آن از غیر، ولو سنت، در تفسیر آیات، سنت معصوم را بر اساس حدیث متواتر تقلین همتای قرآن می‌داند که برای دست‌یابی به دین کامل، تمسک به هر دو لازم است؛ ولی چنین تفسیری (یعنی تفسیر سنت از قرآن) به مثابه ثقل اصغراست، در قبال ثقل اکبر که قرآن باشد. به عبارت دیگر، در اندیشه جوادی آملی قرآن و سنت در طول همدیگرند، نه در عرض هم. و اگر سخن از معیت آن دو با هم می‌رود، معیت به نحو ملازم و به نهج طولی است، نه عرضی.^۱

با این اشارات و تنبیهات، روشن می‌شود که نگره به نسبت تازه قرآن محوری و سنت مداری علامه، نظریه مقبول شماری از قرآن‌پژوهان و مفسران حوزه علمیه قم قرار گرفته، چنان که جریان تفسیری را در سایه «المیزان» و «تسنیم» در روزگار ما پدید آورده است.

۲-۱-۱-۳. سیر شکوفایی حدیث در عصر حاضر

گرایش اعتدالی در عرصه حدیث پژوهی، منشا برکاتی در حوزه علمیه معاصر قم، به ویژه در یک دو دهه اخیر، بوده و هست. اگر نگاهی به پیش‌تریندازیم تا عصر حاضر، عمده نگاه‌ها و نگرش‌ها به حدیث و ضرورت فعالیت در این عرصه، در چند مورد بسیط و ساده خلاصه می‌شد: تدوین احادیث به اشکال مختلف، ترجمه احادیث به زبان فارسی، شرح مختصر و ترتیبی بر کتاب‌های حدیثی، و شاید تخصصی‌ترین فعالیت، انتشار برخی آثار در حوزه رجال و درایه بود. با سپری شدن دوران رکود دانش‌های حدیثی در سده دوازده و سیزده، از سده چهارده هجری جنبشی در این عرصه رخ داد. این رونق و شکوفایی فعالیت‌های حدیث پژوهی را نباید بی‌تأثیر از جنبش بازگشت به قرآن در عصر حاضر و نیاز به حدیث در فهم آن؛ و نیز کثرت برخوردهای انتقادی با حدیث و نیاز به دفع شبهات و رفع تشکیک‌ها از ساخت آن؛ و بالاخره سرازیری مسائل علوم جدید به سوی اسلام، و ضرورت تبیین جایگاه و نقش حدیث در این میان دانست.^۲

مجید حوزه علمیه قم، آیه الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۲۳۸-۱۳۱۵ ش) - که در بحث‌های اجتهادی، پرورش یافته مکتب سامرابی بود و اعتقادی به کسب اجازه اجتهاد نداشت و تنها از اجازه روایت او از محدث نوری یاد می‌شود^۳ - به طور معمول به

۱. تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۶۱.

۲. رک: «نشست ارزش و جایگاه تحقیقات و پژوهش‌های حدیثی دوره معاصر»، به نقل از خبرگزاری حوزه.

۳. «حائری، حاج شیخ عبدالکریم»، به نقل از وب‌گاه مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

اخبار آل‌البیت توجه داشت و حتی کتابی با عنوان «اربعین حدیث» نیز نگاشت.^۱ اما این چیزی فراتر و یا فراتراز جریان محتوم حوزه در عرصه تعامل با حدیث نبود تا این که زعیم حدیث پژوه قم آیه الله العظمی سیدحسین طباطبایی بروجردی (۱۲۵۴ - ۱۳۴۰ ش) علاوه بر عطف توجه اجتهادی به تفسیر^۲ (فقهی سازی محدثان قرون اولیه اسلامی) آثار حدیثی بی سابقه‌ای را در دوران خود پدید آورد که بیشتر بر استعداد شخصی ایشان متکی بود تا بر پایه یک جریان پایدار حدیثی. بروجردی علاوه بر تدوین «جامع احادیث الشیعه»، کتاب‌های «الکافی، الفقیه، تهذیب الاحکام، الاستبصار، الخصال، الرجال، الامالی و علل الشرایع» را تجرید و ترمیم نمود و اسانیدی بر آن‌ها ضمیمه کرد. این در حالی است که وی رهبری منهج و ثاقت صدور فقهای قم را بر عهده داشت که برخلاف منهج غالب علمای حوزه نجف، متن محوری و قراین‌مداری سیره اعتبارسنجی حدیثی ایشان بود، نه سندمحوری و عملیات‌های رجالی.

در ادامه، دور رجالی برجسته از میان شاگردان آیه الله بروجردی سربرآورد که در امتداد حرکت وی، نگاه به حدیث را در حوزه قم قوت بخشید. آیه الله سیدموسی شبیری زنجانی (زاده ۱۳۰۶ ش) حاشیه‌های متنی و سندی بر «جامع احادیث الشیعه» استاد زد و در درس خارج فقه، علاوه بر مباحث رجالی، بردقت‌های متنی و دلالتی روایات نیز تکیه کرد.^۳ آیه الله جعفر سبحانی تبریزی (زاده ۱۳۰۸ ش) نیز از ابتدا رویکردی جامع به سنت و نگاهی عالمانه به حدیث پژوهی داشت. وی «کلیات فی علم الرجال» و «اصول الحدیث و احکامه فی علم الدراية» («حدیث‌شناسی» به فارسی) را طبق طرح تحول در نظام آموزشی حوزه علمیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی نوشت.

اما با پیروزی انقلاب اسلامی، رویکردی کاملاً جدید، جدی و جامع به حدیث و هندسه دانش‌های مغفول آن در فضای حوزه علمیه، بروز یافت. نتایج این رویکرد همه‌جانبه روشمند، بنیاد مراکز آموزشی و پژوهشی مستقلی چون «مؤسسه دارالحدیث» و توابع آن، از آیه الله محمد محمدی‌ری شهری (۱۳۲۵ - ۱۴۰۱ ش) بود. تخصصی شدن مطالعات حدیثی، بررسی عمیق و نقادانه تاریخ حدیث، نقد و پالایش روایات و منابع روایی، تدوین تنظیم‌های

۱. «حائری یزدی عبدالکریم»، ج ۱۲.

۲. رک: «پرداختن به علم تاریخ حدیث در رأس واجبات حوزه علمیه قرار دارد»، به نقل از خبرگزاری خبرآنلاین.

۳. «روش معظم له در تدریس و ویژگی‌های آن»، به نقل از وب‌گاه دفتر آیه الله شبیری زنجانی.

جدید از احادیث، تصحیح نسخ و احیای آثار حدیثی پیشینیان، رواج مسندنویسی، تدوین فهرست‌های حدیثی، تدوین معجم‌ها و فرهنگ‌های روایی، تهیه نرم‌افزارهای حدیثی، تصویب رشته‌های حدیثی در مراکز آموزشی حوزه و دانشگاه، ترجمه احادیث به زبان‌های مختلف، انتشار مجلات تخصصی و پژوهشی در حوزه هندسه علوم حدیث، تدوین پایان‌نامه‌های حدیثی، ... و نیز راهیابی به عوالم جدید حدیث پژوهی، از جمله آثار این رویکرد جامع بوده است.

۲-۱-۱-۴. تحقّق نوگستری؛ با رویابی به عوالم جدید حدیثی

چنان که به اشاره گذشت، یکی از نقش‌های اساسی سنت به عنوان منبع مستقل در کنار قرآن، به ویژه در دیدگاه مشهور، نوگستری است؛ یعنی راهیابی به عوالمی فراتر از تقریر و تبیین‌های معمول سنت به منظور تولید علم. در اینجا مراد از نوگستری، صلاحیت منبعی و معدنی سنت است برای پی‌زدن و اکتشاف آن تا دستیابی به مناکب^۱ (قلل یا معادن) و خبایا^۲ (ذخایر پنهانی) یا همان معارف و علوم نهفته در سنت معصوم علیه السلام.

تحقّق نوگستری در عرصه سنت - که مبتنی بر رویابی به عوالم جدید حدیثی است - در تعامل آن با علوم بشری به ظهور می‌رسد. در شناسایی رویکردهای تعاملی حدیث با دانش‌های دیگر در چند دهه اخیر، حداقل به سه دسته و رویکرد مطالعاتی عمده در حوزه علمیه قم برمی‌خوریم:^۳

۲-۱-۲. پژوهش بسیط؛ با اسلامیزه کردن علوم (انطباق‌سازی)

رویکردی که بیان‌گر نسل اول تحقیقات در این زمینه است. پژوهش‌گران این وادی در فضای غلیان احساسات دینی - مذهبی - انقلابی، تلاش می‌نمودند به موازات پیشرفت‌های علوم، گزاره‌ها و نظریه‌های علمی را با آیات و روایات اسلامی منطبق سازند. این مطالعه بسیط اگرچه در دوره‌ای بسیار رونق یافت، اما با آسیب‌های چندی مواجه بوده است.

۱. اشاره به: ﴿فَافْتَشُوا فِي مَنَاصِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهَا﴾ (سوره ملک، آیه ۱۵).

۲. اشاره به: «أَطْلُبُوا الرِّزْقَ فِي خَبَايَا الْأَرْضِ» (فقه القرآن، ج ۲، ص ۲۲).

۳. رک: «تعامل حدیث با دانش‌های بشری»، ص ۱۷ تا ۳۴. و نیز: «نشست تعامل حدیث و دانش‌های بشری»، به نقل از خبرگزاری حوزه.

۳-۱-۲. پژوهش متوسط؛ یا مطالعه تطبیقی - انتقادی (تناظر گزاره‌ها)

رویکردی به نسبت روشمند است که پیشرفته‌تر از شیوه نخست می‌نماید، و در آن تلاش می‌شود گزاره‌ها و نظریه‌های علوم به گزاره‌ها و اجزای ریز تبدیل شود و سپس تناظری یک به یک بین آن‌ها و روایات برقرار گردد تا بدین وسیله آن گزاره‌ها سنجیده، تأیید و یا نقد شوند. این رویکرد گرچه حد متوسطی از روح پژوهش را داراست و از آسیب‌های روش نخست مبرا است - چون از ابتدا به دنبال تأیید قطعی داده‌های علمی در متون دینی نیست - اما مهم‌ترین آسیب آن، این است که ما را از نگاه کلی و مجموعی به حدیث بازداشته و با گزاره‌های جدا و جزئی جایگزین می‌نماید^۱ که البته با یک پژوهش منتج به تولید علم فاصله دارد.

۴-۱-۲. پژوهش پیشرفته؛ یا نظریه‌پردازی در عرصه حدیث و تولید علم

رویکردی روشمند است که در پی تئوریزه کردن معارف حدیثی است؛ به این معنا که اصول و قوانین پایه انسان (واقعیت‌های انسان‌شناختی و هستی‌شناختی) و حقایق پنهان علمی در منابع و متون روایی را پس از جستجو، کشف و استخراج، صورت‌بندی نظری کرده و به اصطلاح تئوریزه می‌نماید. این رویکرد تعاملی حدیث را با دانش‌های دیگر، برخی از منظر عملیات پژوهشی و شیوه گفتگوی تعاملی «گفتگوی گام به گام مشارکتی»^۲ می‌نامند و برخی دیگر از منظر هدف و نتیجه عمیق آن «فهم پیشرفته متن [حدیث]»^۳ - در برابر «روش فهم عمومی متون دینی»^۴ - می‌خوانند. در این نوشتار، مراد از رهیابی به عوالم جدید حدیثی برای تحقق نوگستری و تولید علم دینی، همین رویکرد پژوهشی است؛ که با شواهد بسیار می‌توان امیدوار بود، در میان پژوهشگران حوزوی در حال گسترش روزافزون است.

۲-۱-۲. بازگشت حداکثری به حدیث (تعامل حداکثری)

با گذر از تعامل اعتدالی و رابطه هوشمندانه با حدیث، به تعامل حداکثری می‌رسیم. در نمونه‌خوانی این رویکرد به گونه‌های چندی برمی‌خوریم که معمولاً راه افراط را در تحقق

۱. برای مطالعه بیشتر در لزوم مطالعه مجموعی احادیث (خانواده حدیث) رک: روش فهم حدیث، ص ۱۲۶.

۲. رک: «تعامل حدیث با دانش‌های بشری»، ص ۱۷ تا ۳۴. و نیز: «نشست تعامل حدیث و دانش‌های بشری»، به نقل از خبرگزاری حوزه.

۳. «درآمدی بر روش‌شناسی فهم معارف روان‌شناختی از احادیث»، ص ۸۸ - ۱۰۹. نیز رک: «نسل دوم حدیث پژوهی؛ معنا، مبنا و روش»، ص ۶۴ تا ۸۶. و نیز رک: «روش فهم روان‌شناختی متون دینی (فرمد): بررسی تک متن»، ص ۶۷ - ۹۱.

۴. رک: روش فهم عمومی متون دینی با رویکرد روان‌شناختی، مقدمه.

تعامل در پیش گرفته‌اند. البته این گونه‌ها نیز از نظررتبی و شأن حوزوی و توان تأثیرگذاری، در یک قد و قامت نیستند. ضرورت بازگشت حداکثری به حدیث و سنت - فارغ از بحث استقلال منبعی یا هم‌عرضی آن با کتاب - و جذب حداکثری از آن، محوری‌ترین سخن در این نوع مواجهه است. در این مجال به مهم‌ترین گونه‌های این گرایش اشاره می‌شود:

۱-۲-۱-۲. جریان فرهنگستان علوم اسلامی قم

همزمان با نخستین سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی، برخی از پژوهش‌گران حوزوی، با استناد به روایات و آیاتی چون ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾^۱ معتقد شدند، همه علوم و معارف بشری اعم از انسانی، تجربی، عقلی و حتی علوم دقیقه را می‌توان با شروطی از قرآن و سنت (توأمان) استخراج نمود و عنوان علوم اسلامی و دینی به آن داد و هر پژوهشی غیر از این، در دایره علم دینی قرار ندارد؛ اگر چه حتی علم تفسیر قرآن باشد.

«فرهنگستان (آکادمی) علوم اسلامی قم» با رویکرد «جذب حداکثری از» ثقلین، رسماً در سال ۱۳۵۸ ش، توسط سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی (۱۳۲۴-۱۳۷۹ ش) بنیان نهاده شد و پس از مرگ وی، به همت شاگردش سید محمد مهدی میرباقری (زاده ۱۳۴۰)، در حاشیه حوزه علمیه قم، به حیات خود ادامه داد. قرائت فرهنگستان علوم اسلامی از سنت، خصلتی فعال و رو به جلو دارد؛ چنان‌که خواهان تحقق سنت اسلامی در کالبد تمدنی جدید در عرض تمدن غرب است.^۲ از این رو، این جریان فکری - دینی، مدعی است برای مهندسی تحقق تمدن اسلامی، در زمینه نظریه‌پردازی و «تولید علم دینی» فعال است. اتکای به مبانی اساسی اسلام، مفروض همه تولیدات فکری این جریان بوده است. از این دید، نظریه فرهنگستان درباره استخراج علم دینی از منابع کتاب و سنت، دیدگاهی حداکثری به شمار می‌آید.

در دهه‌های اخیر، اگر چه عده‌ای به تولید علم دینی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، اعتقاد و اشتیاق داشته و دارند، اما جریان فرهنگستان بی‌توجه به دیگر نگاه‌ها و نظرها،^۳ چند گام فراتر نهاده، معتقد است که علم اسلامی همه ساحت‌های علمی را بی‌استثنا شامل می‌شود. به تعبیر دیگر، سخن آنان تنها درباره ساینس / science (علم تجربی و علم انسانی) نیست، بلکه نالاج /

۱. سوره نحل، آیه ۸۹.

۲. روحانیت و تجدد، ص ۲۷۱.

۳. «فرهنگستان علوم اسلامی در ترازوی علم: اشاراتی به ظرفیت‌ها و نقاط ضعف فرهنگستان علوم اسلامی قم»، ص ۶۸.

knowledge یعنی علم به معنای عام کلمه را - که شامل همه معرفت‌های بشری از قبیل عرفان و فلسفه و ریاضیات و منطق و فیزیک و شیمی و اخترشناسی و... است - نیز در بر می‌گیرد.^۱ البته اینان مدعی فیزیک و یا شیمی اسلامی به نحو بالفعل نیستند، بلکه می‌گویند این علوم در دلِ تقلین مستورند و نیازمند شناسایی و استخراج و صورت‌بندی علمی‌اند و امیدوارند روزی چنین توفیقی رفیق پژوهش‌گران اسلامی شود!

این یک رویکرد جذاب حداکثری از کتاب و سنت توسط جریان فرهنگستان است. روی دیگر، این است که از نظرایشان، دو شرط تحقق علم دینی، «تحت ولایت الهی قرار گرفتن» (هستی‌شناسی) و «حجیت شرعی داشتن» (روش‌شناسی) است؛ مانند کاری که فقها در علم اصول می‌کنند و تکلیف خود را با حجیت روشن می‌نمایند. بر این مبنا، اهالی فرهنگستان به صراحت، علومی چون تفسیر قرآن یا عرفان و یا فلسفه اسلامی موجود را علوم دینی و اسلامی نمی‌دانند؛ زیرا از نظرایشان شرط لازم را برای دینی بودن ندارند و از ابتدا ارتباط و نسبت منطقی خود (حجت) را با آیات و روایات مشخص نکرده‌اند.^۲ لذا این جریان به جد معتقد است که هنوز «علم اسلامی» به معنای واقعی کلمه، نه تنها در علوم انسانی دانشگاهی، بلکه حتی در علوم حوزوی نیز تحقق نیافته و آنچه ما با آن مواجهیم، صرفاً «علوم مسلمین» است، نه «علوم اسلامی». بنابراین، فرهنگستان استخراج روش و متد تولید علم از منابع دینی را یکی از گام‌های اولی و ضروری در این وادی می‌داند؛ چنان که معتقد است عالم دینی باید تمام دستگاه‌های معرفتی (عقل، شهود، حس و...) را ذیل وحی و ولایت انبیا و اولیا تعریف کند، نه در عرض آن.^۳

این نگاه و توجه حداکثری از اعتقاد به جامعیت منابع و نیز کارآمدی دین، نشأت می‌گیرد؛ اما اگر جریانی ادعا کند که دین در روش اثبات همه گزاره‌های علمی (اعم از تجربی و ریاضی و...) نقش دارد و روش‌شناسی اثبات علوم، همه دینی هستند، باید بتواند این مسئله را هم نشان دهد و هم اثبات کند؛ کاری که فرهنگستان تاکنون بر آن توفیق نیافته است.^۴

۱. «دیدگاه فرهنگستان علوم اسلامی»، به نقل از وب‌گاه مدرسه فقاقت.

۲. همان.

۳. «بررسی جریان فرهنگستان علوم اسلامی قم»، به نقل از خبرگزاری دانشجویان ایران (خبرگزاری فارس).

۴. جریان‌شناسی فکری ایران معاصر، ص ۲۰۱-۲۱۲.

۲-۱-۲. خرده جریان احیای نهج البلاغه (محمد دشتی)

یک دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، خرده جریانی سنت‌گرا و دارای گرایش حداکثری به حدیث، مشخصاً نهج البلاغه، توسط محمد دشتی (۱۳۳۰ - ۱۳۸۰ ش) تحت عنوان مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی امیرالمومنین علیه السلام قم شکل گرفت. وی در بحث از قلمرو دین، دیدگاهی حداکثری اتخاذ نمود؛ دیدگاهی که ناظر به نقش و جایگاه جامع دین در پاسخ به سؤال و نیاز انسان مدرن است.

دشتی دل در گرو کلام علی علیه السلام داشت و از مهوریت نهج البلاغه و صاحب آن رنج می‌برد. احیای بیان و بنان مولی علیه السلام، به ویژه معارف نهج البلاغه، محور فعالیت پژوهشی او در حوزه شد. کافی است تنها فهرست آثار این پژوهش‌گرو مترجم فعال نهج البلاغه را با نگاه مورد اشاره از نظر گذرانند؛ و یا فهرست موضوعات مستخرج از نهج البلاغه او را دید که چگونه این شیعه شیفته علی علیه السلام برای تعیین و تبیین حدود و ثغور قلمرو دین و علوم دینی، موضوعات بسیار متعدد در انواع علوم اسلامی، انسانی و طبیعی را از دل کلام حضرت علیه السلام بیرون می‌کشد؛ موضوعاتی مانند: انتومولوژی (حشره‌شناسی)، اتنولوژی (قوم‌شناسی، نژادشناسی)، انترناسیونالیسم (جهان‌وطنی)، آگزستانسیالیسم (اصالت انتخاب)، آگوستانتاریسم (خودمحوری)، دپراتیزه (انحراف افکار عمومی)، نقد امورالیسم (نفی ضرورت اخلاق)، نفی الیتیسیم (خودبرترینی)، روان‌شناسی حیوانی، مرز امنیت اقتصادی، جامعه‌شناسی، ... در نهج البلاغه.^۱

اصرار دشتی بر تأییدیابی و انطباق‌سازی هرآنچه در علوم انسانی و تجربی مدرن به آن رسیده‌اند، با بخش‌های نهج البلاغه، نمونه‌ای از اسلامیزه کردن علوم را نشان می‌دهد. این دسته پژوهش‌ها جزو نسل اول تحقیقاتی است که در نسبت میان حدیث و علوم دیگر، در دهه اول و دوم انقلاب اسلامی ایران رواج یافت؛ پژوهش‌های بسیطی که به تدریج از تب و تاب افتاد و خاطره‌ای برای نسل پژوهش‌های عمیق‌تر حدیثی و دینی پس از خود شد.

۲-۱-۳. جریان باطنی - عرفانی

عرفان، از جریان‌های باطن‌گرا و دارای گرایش حداکثری به حدیث است. اگرچه در حوزه معاصر قم گرایشی آشکار به سمت نحله‌های دیگر باطنی مانند صوفیه یا اسماعیلیه سراغ

۱. رک: فهرست موضوعی نهج البلاغه در: ترجمه نهج البلاغه دشتی، ص ۵۳۵ - ۶۶۸. نیز کتاب‌های: «فرهنگ موضوعات کلی نهج البلاغه» و «موضوعات مسابقتی نهج البلاغه» از همین نویسنده.

نداریم، اما گرایش‌های رسمی عرفانی چندی، در آن به وضوح قابل مشاهده است. جریان غالب عرفان متأخر در حوزه‌های علمیه و از جمله قم، موسوم به سلسله «عرفای متشرع»^۱ یا «مکتب اخلاقی - عرفانی نجف»^۲ است که با جمع میان شریعت و طریقت، سلسله‌داران آن نیز به طور معمول از فقهای اصولی هستند. برگزاری دروس و مباحث متعدد عرفان نظری، نشر آثار متنوع عرفانی و سلوکی، برقراری محافل رسمی عرفان عملی و جلسات معرفتی مستمر خانگی، از جمله فعالیت‌های معمول این جریان در حوزه علمیه قم است. اگرچه جریان عرفان شیعی تا چند دهه پیش، از فرقه‌گرایی‌های مرسوم تصوف برحذر و از آن پیراسته بود و وجهه همتش به دور از ظواهر و سیره شبه‌درویشی، ناظر به وجوه حکمی و علمی عرفان و معرفت منبعت از مبانی ثقلین بود، اما به نظر می‌آید که رفته رفته در چند دهه اخیر، به ویژه از دهه هفتاد شمسی به این سو، برخی میراث‌داران و انشعابات این سلسله بزرگ و بعضی دیگر سلاسل عرفانی رقیب، به دام ظواهر و رقابت‌های فرقه‌ای افتاده‌اند.^۳ با نظر به آثاری که از برخی داعیه‌داران منتشر می‌شود، فاصله‌گیری معناداران‌ها را با مبانی قرآنی و روایی می‌توان مشاهده و بررسی کرد.

از اصول جریان‌ات باطنی از جمله عرفان حوزوی، جذب حداکثری روایات است که نشان از تساهل آن‌ها در برخورد با متون و منابع روایی می‌دهد. از این منظر، رویکرد عرفانی شباهت زیادی به رویکرد اخباری در دستاویزی به غث و سمین منابع روایی و منقولات دارد. نتیجه این رویکرد، اعتماد بر برخی متون غریب^۴ یا تمرکز بر منابع حدیثی دست‌چندم، مانند «مِصْبَاحُ الشَّرِيعَةِ» است که حدیث‌پژوهان، پایین‌ترین رتبه را در اعتبارسنجی منابع روایی به آن می‌دهند.^۵ و یا در بیان بعضی مسائل عرفانی به روایاتی متوسل می‌شوند که ضعف سندی و محتوایی آن‌ها محرز است؛ مانند حدیث مجهول «خطبة البیان»^۶ که بزرگان

۱. «حوزه عرفانی؛ گرایش‌ات عرفانی در حوزه‌های علمیه ایران معاصر»، ص ۸۹ - ۹۲.

۲. رک: مکتب اخلاقی عرفانی نجف اشرف، مقدمه.

۳. به عنوان مثال رک: رقابت دو تن از مدعیان جانشینی یکی از این طریقه‌ها در سال‌های اخیر، که از قضا هر دو برادر و مدعی جانشینی پدر بودند.

۴. رک: هزار و یک نکته، ص ۱۰۴؛ «در اخبار» [در ص ۳۶۰ نیز می‌نویسد: «در اخبار اهل عصمت»] وارد است که الممكن لم یشم رائحة الوجود (در یک نسخه خطی (ص ۳۹) که در جواب پنج سؤال عرفانی است.)

۵. رک: منطق فهم حدیث، ص ۲۸۰.

۶. نیز رک: هزار و یک کلمه، ج ۱، ص ۱۰۷، که حدیث مرسلی از امام صادق علیه السلام از عمر بن محمد سهروردی (صوفی سنی قرن ۷) صاحب عوارف المعارف، نقل می‌کند: «قال صاحب العوارف: قال الصادق علیه السلام ... وانا البعض وانت الكل».

قابل اند، اساسی ندارد^۱ تا منتسب به امیرالمومنین علیه السلام باشد و حتی علمایی آن را ساخته غلات و صوفیه می دانند.^۲ همچنین تأکید بر برخی ادعیه و مناجات های غیرمأثور،^۳ از دیگر نتایج آسیب زای جذب حداکثری است. فراوانی روایات در این رویکرد چنان است که بخشی از احادیث مندرج در کتاب های مهم عرفانی، در منابع معتبر و مشهور شیعی یافت نمی شود.^۴

از اصول دیگر این جماعت، دست یازی به تأویل های گاه بی ضابطه و برداشت های ذوقی از روایات است. عارفان باطن گرا به تهذیب نفس و تصفیه درون به منظور آمادگی برای کسب انوار الهی و کشف و شهود عرفانی و برداشت های ناب از منابع، بسیار عقیده مندند. با این نگاه، راه عبور و رهایی از ظواهر نصوص روایی را پیش پای خود می گشایند. ایشان بر این باورند که عقل توان ندارد بطن ثقلین را درک کند و باید راهی به لایه های عمیق و ناپیدای متن یافت. این علم تأویل است که بهره راسخان و اولیای دین و نیز علمای ربانی می شود.^۵ با این تفسیر از آیه ۷ آل عمران، ایشان شیوخ جریان خود را مصداق راسخان می پندارند که دستشان در تأویل کتاب و سنت باز است. دستور به اذکار و اوراد غیرمأثوری که در حکم مأثور معصوم فرض می شوند، و اطاعت محض سالک از آن، با این استدلال که «لا فرق بین کلام الأستاذ والإمام، بل لا معنی له أبداً، لأن کل ما یقولهُ الأستاذُ الواصل، ... هو عن الإمام» خود داستانی دیگر در فرقه های عرفانی دارد.

مجموعه این نگرش ها و گرایش های جریان عرفانی، زمینه نقدها^۶ و موضع گیری هایی را علیه آن ها، حتی از سوی مراجع عظام تقلید^۷ فراهم آورده که نمونه آن کم نیست و روزافزون هم هست.

۱. «لا اساس لها»؛ صراط النجاه فی اجوبه الاستفتانات، القسم الاول، ص ۴۷۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۷، ص ۵۴.

۳. رک: دعای «دوازده امام» یا «دعای توسل خواجه نصیرالدین طوسی» که بندهای زیبایی دارد، اما کلام معصوم نیست.

۴. برای مثال در بررسی جامع الأسرار سید حیدر آملی، ۴۵ درصد از منابع احادیث این کتاب به دست نیامد. رک: «رویکرد حدیثی سید حیدر آملی در کتاب جامع الأسرار»، ص ۶۵ - ۹۶.

۵. حوزه ها و مکاتب حدیثی، ص ۵۸ - ۶۴.

۶. الشمس المنيرة، ص ۲۹.

۷. برای نمونه رک: کتاب «سیری در آثار علامه سید محمد حسین طهرانی».

۸. برای نمونه رک: برخورد آیه الله صافی گلپایگانی با آثار علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی (ما سمعت ممن رأیت، ج ۲، ص ۱۱۳-۱۱۴).

به موازات جریان تأویل‌گرایی عرفانی در قم، برخی مؤسسات پژوهشی به نام احیای عرفان روایی و اهل‌بیتی، نیز دست به فعالیت زده‌اند. عمده رویکرد این دسته، نص‌گرایی در ضمن ضدیت با تأویل‌های عرفانی - فلسفی جریان غالب است؛ مانند «مؤسسه فرهنگی دارالعرفان» که آثاری در زمینه ترجمه و تفسیر قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، مفاتیح الجنان و... تولید و منتشر می‌کند.

۲-۱-۲-۴. جریان نص‌گرایی معاصر (به معنای عام)

از رویکردهای افراطی به حدیث در دهه‌های اخیر، دیدگاه نص‌گرایی معاصر، اخباری‌گری به معنای عام، نه گروه خاص تاریخی است که در جذب حداکثری حدیث می‌کوشند. یادآور می‌شود که مقصود از اخباری‌گری در جریان تاریخی، «زیاده‌گویی بر جایگاه حدیث و کوشش در کنار نهادن دیگر بنیان‌های معرفت، به ویژه قرآن و عقل»^۱ توسط گروهی از علمای غیراصولی بود که از قرن یازدهم هجری، در حوزه‌های شیعی رشد و گسترش یافت، اما در عصر وحید بهبهانی متوقف گردید و از عرصه علمی اخراج شد و از زمان شیخ مرتضی انصاری نیز تا مدت‌ها به محاق فراموشی رفت. این جریان تاریخی تنها منبع فقه و فهم دین را سنت می‌دانست؛ حجیت «عقل» را منکر بود و فهم «قرآن» را ویژه معصومان علیهم‌السلام می‌پنداشت و «اجماع» را نیز از اساس به منزله مستند اهل سنت به کنار می‌نهاد.^۲ پس طبیعی بود که با این بعض‌نگری و ارزیابی تنگ‌نظرانه، ناچار از گرایش حداکثری به حدیث به منظور جبران کمبودهای منبعی و مبنایی خود شود.

اما در دوران معاصر، سوای از جریان تفکیک به عنوان میراث دار رسمی جریان تاریخی نص‌گرا، علائم حیات یک جریان عام و فراگیر حدیث‌گرا، بروز یافته است. صدای پای بازگشت روح اخباری به حوزه‌های علمیه شنیده می‌شود.^۳ کسانی که اغلب از منظر اخبار با جهان پیرامون خویش تماس دارند و بر حسب مفاد روایات به تفسیر زندگی می‌پردازند.^۴ برخی از محققان با استناد به شواهدی، معتقدند که این سنتی‌های ناب، ادامه همان گروه تاریخی خاص هستند.^۵ اما به نظر می‌رسد که اخباری‌گری معاصر، فراتر از یک گروه خاص، جریان عام و فعلاً بی‌نام است که در سطحی گسترده تراز دایره فقها و محدثان و حوزه‌های

۱. منطق فهم حدیث، ص ۴۴۵.

۲. همان.

۳. روحانیت و تجدد، ص ۴۲۷.

۴. همان، ص ۲۷۰ - ۲۶۹.

۵. رک: «ادوار اخباری‌گری»، به نقل از وب‌گاه سلسبیل.

علمیه، بلکه در دامنه جامعه دینی شیعی در حال رشد و گسترش است؛ جریانی که چندان نظام مند نمی نماید و علی رغم نگاه افراطی و تمسک حداکثری به حدیث، به ظاهر چونان گذشتگان متعرض دیگر منابع معرفت دینی نیز نمی شود.

به عبارت دیگر، جریان جدید، اگر چه به اصالت حدیث اعتقاد دارد، اما سخنی از عدم حجیت ظواهر قرآن نمی زند؛ یعنی علی رغم پذیرش و جذب حداکثری روایات و قطعی الصدور دانستن همه احادیث، اعم از کتب اربعه تا منابع دست دوم و سوم و چندم، و بی توجهی به بررسی های سندی و درایی روایات (مانند اخباریان)^۱، اما این گونه نیست که چون آن جریان تاریخی، با استناد به روایاتی مانند «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ حُوِّطَ بِهِ»^۲ قرآن را سراسر لغز و معما تلقی کند که غیر معصوم قادر به زدودن نقاب اسرار از چهره آن نباشد؛ و یا بر روایاتی که به نهی از تفسیر به رأی اشاره دارند، پای نمی فشرد تا مردم را از مراجعه مستقیم به قرآن بر حذر دارد.^۳ البته تقدم حدیث در مقام رجوع، نزد این طایفه چنان است که قابل مقایسه به ارجاعات اندک آن ها به قرآن نیست.

ناگفته نماند که نص گرایان معاصر نیز چون اخباریان تاریخی، گروهی هم وزن و متوازن نیستند که با مترو معیار دقیق و یکسانی محک بخورند، بلکه اخبارگرایی معاصر نیز مقول به تشکیک است. اصولاً این جریان، نظم و نظام و یا نام و نشان ثبت شده ای ندارد، بلکه بیشتر به نام اصولی، در جان حوزه های شیعی فعال است و بالتبع نیز اگر خود هم بدانند که چه می کند، بالطبع تمایلی نخواهد داشت تا از جماعت اخباریان شمرده شود؛ همان گونه که نونص گرایان نشان داری که گاه نشان می دهند استمرار همان سلسله تاریخی اند، نیز از این که آن ها را به «اخباری» و «اخباری گری» بشناسند، ابا دارند^۴ و رویکرد خود را نه «اخباری گرا»، بلکه «اخبارگرا» می خوانند.^۵

با این اشاره، جریان جدید اخبارگرایان معاصر را می توان به چند طیف تقسیم کرد: یک. طیفی از اینان را باید فقیهانی دانست که اصولی حرف می زنند، ولی اخباری فتوا می دهند! برخی در بازشماری ادوار تاریخی جریان اخباری گری، این دسته را دوره پنجم

۱. نقدی بر اخباری گری، ص ۲۱-۲۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۳۴۹.

۳. رابطه متقابل کتاب و سنت، ص ۲۳۵.

۴. مکتب تفکیک، ص ۳۷۱.

۵. رک: مقاله قرآنی، مقدمه به قلم محمدرضا حکیمی.

همان جریان تاریخی می‌دانند؛ کسانی که هم مخالفت با عقل و اجماع و شهرت‌ها و... می‌کنند و هم هم‌زمان اصول فقه را می‌پذیرند^۱ و سال‌ها به مباحث اجتهادی مشغول‌اند، اما به گاه صدور نظر، فتاوی‌ای آن‌ها بیش از هر چیز متعبد به ظواهر منقولات است. سید محمود موسوی دهرسخی (۱۳۰۷ - ۱۳۸۹ش) نویسنده «مفتاح الکتب الاربعه» (۳۸ جلد) فقیه حدیث محورا باید از این دسته دانست. وی به طرح مباحث فقهی چالش برانگیزی، به ویژه در حوزه مسائل زنان،^۲ می‌پرداخت که مبتنی بر ظواهر و منطوق روایات و بی‌توجه به دلالات و عملیات حدیث پژوهی بود. همچنین می‌توان از یعسوب‌الدین رستگار جویباری (زاده ۱۳۱۹ش) نویسنده «تفسیر البصائر» (۶۰ جلد) نام برد که اهتمامی ویژه بر دفاع از تشیع دارد و سعی می‌کند با تعصب بر هویت مذهبی، «حقیقت وحدت بین شیعه و سنی»^۳ را برملا سازد؛ فقیه‌ای که «نقل‌گرایی حتی به هنگام مراجعه به قرآن بر تفکرش حاکم است و رگه‌های ظریفی، به ویژه از طریق شیوه تفسیر استادش حبیب‌الله گلپایگانی او را به فضای ذهنی نقل‌گرایان مشهد پیوند می‌دهد».^۴ فتاوی‌ی تعجب برانگیز وی در حرمت تحدید نسل به‌ای نحوکان، حرمت استفاده از برنامه‌های صدا و سیما و... با استناد به مطلق ظواهر اخبار و حتی روایات تاریخی، جالب توجه است؛ از جمله آنجا که در پاسخ به استفتایی در وجوب قمه زنی، منبع خود را نیز ذکر می‌کند:

ان التطبير [قمه زنی] جائز لفعال السیده زینب الكبرى في هودجها حين الاسارة وقديجيب
علينا من زمن هجوم الاعداء وسعي اجرائهم لهدم العلة المبقية للاسلام وهي
قضية كربلا.^۵

دو. طیف دیگر نقل‌گرایان معاصر، واعظان و مبلغان و نیز نویسندگان دینی - مذهبی ژورنالیستی هستند که «هر خبری را ببینند بالای منبر، در تلویزیون و... می‌گویند؛ نه اقتضائات زمان و مکان را لحاظ می‌کنند و نه اقتضائات عقل را می‌بینند، و نه این روایت [ها] را در یک نظام حلقوی و هرمی سایر نصوص دینی مورد فهم قرار می‌دهند! اصولاً

۱. «ادوار اخباری‌گری»، به نقل از وب‌گاه سلسبیل.

۲. رک: آرای دهرسخی در دو کتاب «النساء فی الاسلام» و «النساء فی اخبار الفریقین»؛ از جمله: نقصان عقل زن، فتوا بر حرمت آموزش زنان، عدم خروج و حبس زن در خانه.

۳. عنوان کتابی است که ضد وحدت شیعه و سنی نگاشت.

۴. روحانیت و تجدد، ص ۲۹۵.

۵. التطبير و الشعائر الحسينية فی فتاوی العلماء و مراجع الامه، ص ۳۱.

توان چنین کاری در آن‌ها وجود ندارد!.^۱ شاید بتوان گفت که یکی از اسباب و علل این رویه نص‌گرایی افراطی، به ویژه حدیث‌گرایی غیرانتقادی و اخباری‌گونه رو به رشد در اسلام شیعی معاصر، عقلانیت واکنشی و تدافعی نسبت به تبلیغات دینی سلفی است.^۲

در مجموع، با بازخوانی سه عملیات بزرگ اخباریان در تاریخ حدیث، که به جایگاه ویژه روایات، آسیب‌های جدی وارد آورد؛ یعنی: الف. «تقلید از حدیث» به جای تقلید از مجتهد که موجب حاکمیت سلاطین خشک و نگاه‌های تنگ بر فقه و مجموعه علوم دین شد. ب. «تقطیع حدیث» که موجب دوری آن از فرصت‌قرااین داخلی شد. ج. «تجمیع حدیث»؛ با رویکرد بی‌اعتنایی به تمحیص (تصفیه) آن که موجب برهم خوردن منطق اهل بیت علیهم‌السلام و در نتیجه تضعیف آن در هم‌آوردی با دیگر اندیشه‌ها شد. اگر بپذیریم که اصولیان متأخر تا حدودی مشکل تقلید از حدیث را در فقه مرتفع ساختند، اما نمی‌توان نادیده گرفت که رسوبات آسیب‌های تقطیع حدیث و تجمیع بی‌اعتنا به تمحیص آن و نیز مشکل تقلید از مطلق حدیث در فضای فراتراز فقه معاصر ما، مثل منبر و عظ و خطابه و فضای رسانه، تا حدود قابل توجه‌ای همچنان به جا و پابرجاست.^۳

۲-۱-۲-۵. جریان تفکیک (نوصّ گرایان تاریخی):

جریان مدرسه معارفی خراسان، مشهور به «مکتب تفکیک»،^۴ اگر چه در سده اخیر، توسط آقا میرزا مهدی اصفهانی (۱۳۰۳-۱۳۶۵ق) از مشهد سربرآورد، اما پیروان این مدرسه سنت‌گرا، ریشه آن را بسیار پیش‌تر از علمای اخباری قرن یازده می‌دانند؛ بلکه آن را به عنوان گفتمان رایج اصحاب ائمه و اعلام علمای شیعه در قرون اولیه جستجو می‌کنند.^۵ میرزا مهدی لبّ اصول فکری خود را در رسائل «مصباح الهدی» منعکس کرد که بر دو ویژگی استوار بود: «یکی تکیه فراوان بر روایات معصومین علیهم‌السلام و تلاش برای خالص‌سازی معارف دینی از هر آنچه سخن غیر معصوم است؛ و دیگری مخالفت شدید با حکمت و عرفان». ^۶ شاگردان

۱. «ادوار اخباری‌گری»، به نقل از وب‌گاه سلسبیل.

۲. «حدیث‌گرایی، اتوریته مذهبی و مشکل اسلام معاصر»، به نقل از وب‌گاه مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

۳. رک: «پرداختن به علم تاریخ حدیث در رأس واجبات حوزه علمیه قرار دارد»، به نقل از خبرگزاری خبرآنلاین.

۴. نامی که نخستین بار محمدرضا حکیمی در ضمن مقاله «مکتب تفکیک» در کیهان فرهنگی شماره ۱۲، سال

۱۳۷۱ش، براین جریان نهاد؛ سپس به کتابی به همین نام ارتقا یافت؛ رک: مکتب تفکیک، ص ۱۴-۱۵.

۵. رک: نظریه تفکیک یا روش فقها و علماء امامیه در فهم معارف حقه، ص ۸. و نیز: مکتب تفکیک، ص ۱۳۶ و ۱۴۳؛ نیز

الهیات الهی یا الهیات بشری، اثر دیگر محمدرضا حکیمی.

۶. «تاریخ تفکیک؛ مروری بر شکل‌گیری جریان تفکیک»، ص ۱۲۹.

میرزا منشأ پیدایش دیدگاه خاص معرفتی او را، به جریان تشریفش مرتبط دانسته، مدعی اند: «در این ملاقات حضوری حضرت علیه السلام با میرزا به طور شفاهی سخن گفته‌اند و فرموده‌اند: «طلب المعارف من غیر طریقنا اهل البیت علیهم السلام مساوق لاینکارنا»^۱.

حجیت ظواهر کتاب و سنت و نفی تأویل، از ویژگی‌های تبلیغی نظریه میرزا است؛ چنان که می‌گوید:

اخذ به همه ظواهر کتاب و سنت و بدون هیچ‌گونه تأویل و توجیهی واجب است.^۲

لذا او و پیروانش چون از اساس معارف بشری را با معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام در تغایر و تضاد می‌بینند، در جداسازی و تفکیک معارف الهی و حیانی (قرآن و سنت) از سایر مکاتب، حتی عرفان و فلسفه اسلامی مصطلح، سعی بلیغ می‌نمایند^۳ و مدعی اند «تفکیک»، همان «اسلام» ناب است، و توده مردم - که بر فطرت خود می‌تنند - آنچه را که تفکیکیان می‌گویند، آنان نیز معتقدند؛ چنان که «اگر ترجمه فارسی از قرآن در دست داشته باشند، به هرچه در آن بخوانند ایمان دارند؛ بدون این که ذهنشان به سوی موضوعات تأویل بلغزد»^۴. با این اشاره، مشخص است که گرایش حداکثری این جریان ظاهرگرای ضد تأویل به معارف و حیانی، در عمل به حدیث محوری ایشان ختم شود؛ آن هم با دأب اصالة القبولی.

جذب حداکثری روایات در هاضمه عقیدتی، پروژه در دست اجرای تفکیکیان است؛ یعنی کلام منهای فلسفه و به علاوه - بلکه متخذ از - کلام اهل بیت علیهم السلام. بهره‌وری اخباری‌گونه از احادیث و ساختن منظومه‌ای اعتقادی بر آن اساس و بدون توجه به نقد اخبار و نیز بی‌توجه به این که خود آنان هم در مقام تفسیر احادیث اهل بیت علیهم السلام ناگزیر از انتخاب و تفسیر مشابه تفسیرهای دیگران اند، و این که آنان نیز گاه خود گرفتار تأویل و آمیختگی عقاید کلامی و فلسفی با احادیث اهل بیت علیهم السلام می‌شوند،^۵ موج تازه خلوص یابی یک جریان مصمم

۱. رک: مقدمه مثاله قرآنی، به قلم محمد رضا حکیمی. البته میرزا مهدی خود این جریان را در رؤیا می‌دانست و در برخی کلمات آن نیز تردید داشت! رک: مستدرک سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۰. و نیز: «میرزا مهدی اصفهانی و صاحب علم جمعی»، به نقل از وب‌گاه بررسی‌های تاریخی.

۲. بنیان مرصوص: فلسفه اسلامی از نگاه مکتب تفکیک، ص ۳۴۴. البته نسل‌های بعدی این جریان، تخفیف داده و در تفسیر آن، تأویل دلالی - نه تأویل ادبی یا مجاز اسنادی - را مراد می‌دانند؛ هر چند که خود در عمل به تأویل مصطلح نیز دست یازیده‌اند؛ رک: الحیة، ج ۳، ص ۳۴۰.

۳. مکتب تفکیک، ص ۴۷ - ۴۸.

۴. همان، ص ۱۷۸.

۵. «مکتب معارفی و ضرورت انتقاد علمی»، به نقل از کانال تلگرام از بررسی‌های تاریخی.

و پیگیر را در جان جهان شیعی به راه انداخت. مجموعه دوازده جلدی «الحیاء»، اثر استاد محمدرضا حکیمی و برادران، به عنوان مانیفست جریان تفکیک، تعالیم اسلام را بر پایه قرآن و حدیث گردآوری و تدوین نموده است که می‌تواند در ادامه نهضت پاکدینی و پالایش دین از اسلام تاریخی،^۱ و برای نظام‌سازی تفکیکیان برای تحقق جامعه اسلامی^۲ قلمداد شود.

برخی معتقدند مکتب تفکیک در دهه‌های اخیر، به ویژه با تأثیرپذیری از جریان محدثان متأخر و جریان انتشار آثار متنوع حدیثی با گرایش‌های اعتقادی، عملاً عقاید غالبانه را ترویج می‌کند؛ چرا که دلبستگی شدید به مآثرات روایی و تعامل اخباری‌گرایانه با احادیث و عدم التزام به شیوه‌های اصولی فقها، آنان را در عمل به مبلغان و ناشران احادیث و عقایدی مبدل ساخته که به دلیل فقدان نقد و بررسی آن اخبار، راه را بر نشر روایات جریان‌ات کهن غلوگرای شیعی و نیز احادیث برساخته جریان‌ات تاریخی عامه‌گرا در ادوار تشیع، هموار کرده است.^۳

نسل سوم تفکیک پا را از مشهد بیرون نهاده، به ویژه در قم، در حال فعالیت گسترده است.^۴ شاید با این پس‌زمینه فکری، که قم پیشینه‌ای تاریخی با رویکرد شدید حدیث‌محورانه داشته است. اما با مرور دوران اوج حوزه حدیثی قم در قرن سه و چهار هجری به عنوان نخستین مدرسه حدیث‌محور شیعی که «نص‌گرایی شدید»^۵ ویژگی بارز آن بود، به یاد می‌آوریم که «برخورد شدید با نقل احادیث ضعیف و مبارزه با متون غلوآمیز» نیز دو ویژگی اصلی دیگر این مدرسه حدیثی بوده است؛^۶ ویژگی‌هایی که در ناصیه تفکیکیان دیده نمی‌شود.

البته نمی‌توان حضور جوانان متأثر از جریان معارفی مشهد را در دو دهه اخیر در قم، نادیده گرفت که از آنان به «نوتفکیکیان» نام می‌برند و انتشار «فصلنامه معرفتی اعتقادی سمات»^۷ را در سابقه پژوهشی و تبلیغی خود دارند. جوانان به‌روزتری که نسل چهارم این جریان را تشکیل می‌دهند و از پیشینیان خود بی‌قراترند؛^۸ از یک سو سودای بازسازی فکرناب دینی

۱. «تفکر حکیمی ضد روش و ضد واقعیت است»، ص ۴۶.

۲. «الحیاء حکیمی محصول نگرانی‌های دهه چهارم و پنجاه»، ص ۲۴۲-۲۴۳.

۳. «مکتب تفکیک؛ تحلیلی گفتمانی»، به نقل از وب‌گاه بررسی‌های تاریخی.

۴. رک: وب‌گاه الکترونیکی مؤسسه معارف اهل بیت (علیهم‌السلام)، به نشانی: maaref.org.

۵. تاریخ حدیث شیعه، ج ۲، ص ۷۵-۷۲.

۶. همان، ص ۸۰.

۷. به مدیرمسئولی و سردبیری مهدی نصیری.

۸. «بیش از این آب را گل نکنیم؛ مرور تاریخی بر قصه پر غصه نزاع با فلسفه اسلامی»، ص ۴-۶.

را در سر می‌پرورانند و از سوی دیگر نسبت به مدرنیته و تجدد حساسیت ویژه دارند و در این میان گاه پیشینیان خود را بی‌نصیب از نقادی‌های خود نمی‌گذارند.

۲-۱-۲-۶. خرده‌جریان «طب اسلامی»

از مصادیق بارز رویکردهای تعامل افراطی با حدیث در یک دو دهه اخیر، دیدگاه مدعی «طب اسلامی» است که با تحلیل گفتمان این خرده‌جریان، می‌توان آن را از زمره جریان کلی نص‌گرایی معاصر (به معنای عام) نیز به حساب آورد؛ البته با سطح نازل‌تری از توان و توشه علمی.^۱

شیخ عباس تبریزیان (زاده ۱۳۴۱ ش) روحانی عراقی - ایرانی تحصیل کرده حوزه علمیه نجف، در دهه نود شمسی ضمن اقامت در قم، به تبلیغ «طب اسلامی» مشغول شد. وی در این سال‌ها «دراسة فی طب الرسول المصطفی» را نگاشت و آن را نخستین کتاب طب اسلامی خواند و خود را «پدر طب اسلامی» نامید و آموزه‌هایش را تنها مرجع درست پزشکی معرفی نمود و در مقابل، علم پزشکی جدید را سراسر دروغ و فریب خواند که «پروژه نفوذ رژیم صهیونیستی و آمریکا و استکبار جهانی برای نابودی مسلمانان و انقلاب اسلامی»^۲ است. بر این گمان، او طی مراسمی از پیش اعلام شده، کتاب «اصول طب داخلی هاریسون»، یکی از کتاب‌های درسی مشهور رشته پزشکی را به آتش کشید!^۳

تبریزیان مدعی است به بیش از یازده هزار روایت طب اهل بیت علیهم‌السلام دست یافته^۴ که نشان می‌دهند طب مستقل اسلامی وجود دارد و دارای مبانی و منابع خاص خود است و منشأ همه طب‌ها، حتی طب سنتی و یونانی نیز هست؛ و هم‌قادر است پاسخ‌گوی همه بیماری‌های صعب و لاعلاج جدید از جمله ایدز، ام‌اس و .. نیز باشد.^۵ وی به صراحت

۱. رک: «طب اسلامی از واقعیت تا خیال؛ نگاهی به تعرض جاهلانه نوابخاریان علیه جایگاه دانش پزشکی و منابع اسلامی»، ص ۸.

۲. «خانم هلندی به من گفت اتفاقاً شوهر ندارم!»، به نقل از انصاف نیوز.

۳. «واکنش حوزه علمیه به آتش زدن کتاب هاریسون توسط یک مدعی طب سنتی»، به نقل از همشهری آنلاین.

۴. در نتیجه مطالعه محققان موسسه دارالحدیث، حدود شش هزار روایت طب غیر تکراری (اعم صحیح و غیر صحیح) به دست آمد که از این تعداد، تنها پانزده درصد سند دارند! یعنی نزدیک به ۸۵ درصد روایات باب طب، اساساً فاقد سند هستند. باز از این تعداد تنها حدود پنج درصد، سند صحیح دارند که عموماً درباره خواص خوراکی‌هاست، نه در تشخیص بیماری‌ها یا درمان آن‌ها. رک: «۸۵ درصد روایات باب طب سند ندارند»، به نقل از وب‌گاه پژوهشگاه قرآن و حدیث.

۵. «طب اسلامی و جایگاه طب در روایات معصومین علیهم‌السلام»، به نقل از خبرگزاری حوزه.

اذعان می‌کند که دستیابی به علم طب اسلامی و درمان بیماری‌ها چیزی مانند علم فقه است که باید تنها از قرآن و حدیث استخراج شود؛^۱ و در ضمن، یادآور می‌شود که «روایات طب ما شبیه به روایات احکام بوده و هیچ تفاوتی با هم ندارند؛ با این بیان که در بیشتر موارد، قوانین کلی بیان می‌شود»؛^۲ اما با این حال، خود سال‌ها مدعی است براساس همین متن روایات طب، به تشخیص بیماری، تجویز دارو و درمان انواع امراض مشغول است. از ویژگی‌های این خرده‌جریان افراطی سنت‌محور، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- تمسک افراطی و پذیرش حداکثری روایات طب و بی‌توجهی به مباحث اعتبارسنجی و تحلیلی صدور حدیث؛ یعنی نهایت کاری که در این زمینه می‌کنند، نگاه صرفاً صفریای صدی به صرف روایات طب است؛ این‌که کلاً روایات صحیح‌اند و یا احیاناً ضعیف.

- نگاه سطحی به شکل‌گیری «طب اسلامی» برپایه متون روایی خام و قابل‌خداشه، و بسنده کردن به اظهار کلیات بسیط و غیرقابل اثبات؛ بدون ارائه طرح تحقیقی روشمند و عالمانه.^۳

- تقابل‌سازی بی‌وجه میان دین (قرآن و سنت) و علوم بشری و پیشرفت‌های علمی، به ویژه در حوزه پزشکی و ستیز کور با آن‌ها (مانند کتاب سوزی پزشکی).

- مغالطه همانند دانستن طب اسلامی و علم فقه؛ در صورتی که علم روشمند فقه مستند به آیات قطعی قرآن و احادیث معتبر است، ولی طب مورد ادعا، برپایه روایات معتبری سوار نیست.^۴

البته پیش از تبریزیان، سید محمود موسوی دهرسخی نیز ضمن پرهیز و برحذر داشتن از طب جدید، مفاتیح صحت و سلامت انسان را در عمل به طب نبی ﷺ می‌دانست که متخذ از منطوق روایات است؛^۵ اما این نگاه و نظر نیز چون متارکه او از روزگار، منحصر در جهان شخصی او شد و جریانی را در حوزه علمیه برنیا نگیخت.

۲-۲. مواجهه منتقدانه با حدیث (تعامل حداقلی)

تعامل حداقلی با حدیث، نگرشی «نقادانه» و گرایشی تفریطی به نقش و جایگاه حدیث در اندیشه دینی دارد. این رویکرد کلی، چونان دیگر رویکردهای معاصر، جریان‌ها و

۱. «عباس تبریزیان طلبه‌ای که کتاب طب هاریسون را آتش زد کیست؟»، به نقل از همشهری آنلاین.

۲. «طب اسلامی و جایگاه طب در روایات معصومین (علیهم‌السلام)»، به نقل از خبرگزاری حوزه.

۳. «پیش‌فرض‌های طب اسلامی: پرسش‌هایی برای پژوهش»، به نقل از وب‌گاه اطلاع‌رسانی آیه الله محمدتقی مصباح یزدی.

۴. «عباس تبریزیان طلبه‌ای که کتاب طب هاریسون را آتش زد کیست؟»، به نقل از همشهری آنلاین.

۵. مفاتیح الصحه فی طب النبی ﷺ، ص ۳.

خرده جریان‌هایی را در دل خود در درون حوزه علمیه قم، پدید آورد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱-۲-۲. جریان قرآن‌بسندگان در تفسیر (خرده جریان‌های عرضه به قرآن)

در بحث از شناسایی رویکردها و میزان مواجهه و نوع تعامل با حدیث، به دو دسته تأثیرگذار از جریان قرآنیان در حوزه معاصر قم برمی‌خوریم: «قرآن‌بسندگان» و «قرآن‌بسندگان در تفسیر»^۱ که اولی جزو مخالفان و دومی جزو موافقان حداقلی تعامل با حدیث به شمار می‌روند.

«قرآن‌بسندگان در تفسیر» به نقش پررنگ و جایگاه قابل حدیث در فهم دین و به ویژه در تفسیر قرآن، معتقد نیستند. البته ایشان را نباید در زمره «قرآن‌بسندگان» مطلق، از شکاکان و مخالفان ریشه‌ای سنت دانست؛ بلکه باید جزو موافقان حداقلی حدیث و از منتقدان حوزه‌های حدیث محور به شمار آورد. فروکاستن از نقش حدیث و در حاشیه نگه داشتن آن، وجه همت ایشان در تفسیر قرآن و فهم دین است. آنچه مشخص است، این‌که این طیف نیز مانند قرآنیون تندروی شیعه و مخالف حدیث، در بطن و متن جامعه علمی - دینی معاصر و نماد آن، یعنی حوزه علمیه، قرار ندارند.

قرآن‌بسندگان در تفسیر معتقدند که هر چند تفصیل معارف و جزئیات احکام و همه دانستنی‌های لازم دین را نمی‌توان از قرآن به دست آورد، ولی می‌توان همه آیات قرآن را به کمک خود قرآن تفسیر کرد و تشابه و ابهام هر آیه را با آیات دیگر برطرف نمود. پس در تفسیر قرآن اصلاً نیازی به غیر آن و مشخصاً حدیث، نیست.^۲ این طیف از قرآنیون شیعه، مستند به مشکلاتی که به ظاهر پیروی از سنت برای جوامع اسلامی پیش آورد، معتقد شدند که سنت برای عصر حاضر چندان اعتبار و ضرورتی ندارد. میرزا یوسف شعار (۱۲۸۱ - ۱۳۵۱ ش) نویسنده «رساله محکمت و متشابهات قرآن» و «تفسیر آیات مشکله»،^۳ از نخستین طرفداران این نظریه در دوره معاصر است؛^۴ اگرچه وی به شکل رسمی در سلک روحانی نبود.

عمده نمایندگان قرآن‌بسندگان در تفسیر در زمانه ما، خرده جریان‌های عرضه به قرآن

۱. مکاتب تفسیری، ج ۲، ص ۱۲۷.

۲. همان.

۳. آیه الله جعفر سبحانی کتاب «تفسیر صحیح آیات مشکله» را در نقد و اصلاح آن نوشت.

۴. مکاتب تفسیری، ج ۲، ص ۱۳۰.

هستند. فصل مشترک عرضه به قرآنی‌ها، ضرورت بازگشت به قرآن در ضمن ضرورت نقد حیثیت استقلالی حدیث و لزوم عرضه حدیث بر قرآن در هر حال است؛ البته با نگاه‌ها و کاربری‌های جدا.

۲-۱-۱. بازگشت همه‌جانبه به قرآن (محمد صادقی تهرانی)

فقیه قرآنی دکتر محمد صادقی تهرانی (۱۳۰۵-۱۳۹۰ ش) شاگرد علامه طباطبایی و صاحب دو دوره تفسیری «الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه»^۱ و «التفسیر الموضوعی بین الكتاب و السنه» هریک در سی جلد، از مروجان جدی نظریه قرآن‌بسنندگان و از مفسران روش تفسیر قرآن به قرآن بود^۲ که اساس تحول فکری و قرار گرفتن بر حرکت قرآنی را ثمره شرکت در حلقات دروس عرفانی و اخلاقی و تفسیری آیه الله میرزا محمدعلی شاه‌آبادی می‌دانست.^۳ وی که از فریگی فقه بر مدار روایت می‌نالید و مهجوریت قرآن در حوزه و در منظومه پژوهش‌های دینی را بر نمی‌تابید، خواهان بازگشت همه چیز به قرآن بود و به صراحت می‌گفت:

علاوه بر حدیث، ارکان اولیه فلسفه مرسوم حوزوی با نصوص قرآنی تضاد دارد و منطق حوزه نیز ... اصول فقه نیز روشی غیر معصومانه است ... باید همه چیز به قرآن بازگردد تا مشکلات کنونی ما حل و فصل گردد.^۴

پس قرآن برای او «متن» (Text) و اولین و آخرین منبع دین بود و هر آنچه خارج یا در ورای آن قرار داشت، امری برون دینی و یا حداقل حاشیه‌ای بر این متن به حساب می‌آمد که باید بر آن به عنوان تنها سنججه اعتبار عرضه می‌شد.^۵

از دیدگاه صادقی «کتاب و سنت، برهم تطابق دارند و محور احکام اخلاقی، عقیدتی، و... فقط قرآن و در رتبه دوم، سنت منطبق بر محور وحی قرآنی است؛ و بر حسب نصوص، فقط کتاب الله، دلیل است؛ هم مشرّع و هم دلیل شرعی است».^۶ وی مدعی است ضمن بررسی ۱۸۰ جلد

۱. با تقریظ علامه طباطبایی؛ برگزیده سی امین دوره کتاب سال ایران ۱۳۹۰ ش.

۲. می‌نویسد: «إذا فمسالك التفسیر كلها هباء و خواء الا تفسیر القرآن بالقرآن» (الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ج ۱، ص ۱۸).

۳. نقدی بر دین‌پژوهی فلسفه معاصر، ص ۴۱۳-۴۱۴.

۴. مفت‌خواران از دیدگاه کتاب و سنت، ص ۵۱-۵۲؛ نیز رک: نقدی بر دین‌پژوهی فلسفه معاصر، ص ۴۱۳-۴۲۶.

۵. روحانیت و تجدد، ص ۳۹۱.

۶. فقه گویا؛ نقد و بررسی فقه سنتی، ص ۱۹.

مهم‌ترین منابع روایی فریقین، بر مبنای قرآن به پالایش آن‌ها از تحریفات، جعلیات، اسرائیلیات و... همت گماشت و با عرضه آن‌ها به قرآن «عَوْضُ فِي الْبِحَارِ» را نگاهاشت.^۱ وی فرایند عرضه حدیث به قرآن و تمیز سنت قطعی از غیر قطعی را بسیار آسان می‌دانست و می‌گفت: به طور کلی روایات اینگونه‌اند: ۱. روایات موافق قرآن را گرچه سند ضعیف داشته باشند، قبول می‌کنیم؛ ۲. روایات مخالف قرآن را گرچه سند قوی داشته یا متواتر باشند، قبول نمی‌کنیم؛ ۳. احادیثی که نه موافق قرآن است و نه مخالف آن، اگر مبدأ قرآنی داشته و یا در زمینه احکام شرعی باشند، چنانچه متواترند، قبول می‌کنیم و چنانچه متواتر نباشند، اگر معارضی نداشته باشند، باز قابل پذیرشند؛ اما اگر احادیثی که نه موافق قرآن است و نه مخالف آن، و مبدأ قرآنی هم ندارند، اگر از طرق دیگری قابل اثبات و علم‌آور باشند، باز هم می‌پذیریم و اگر راه‌هایی براهبات این قسم نباشد، در برابر آن سکوت می‌کنیم. بنابراین، بحث‌هایی چون حجیت خبر واحد، تعادل و تراجیح، تخصیص قرآن با احادیث، ظنی الدلاله بودن قرآن، و سایر بحث‌های مرسوم اصول، به کلی منتفی و بیگانه با وحی الهی و اضافی است.^۲ اما آنچه از صادقی در صحنه عمل به ظهور می‌رسد، این است که به جز قرآن، تنها دو سه منبع روایی، یعنی صحیفه سجادیه، اغلب نهج البلاغه و مصباح الشریعه منسوب به امام صادق علیه السلام را بیشتر نمی‌پذیرد و سایر منابع حدیثی فریقین را عملاً از کار می‌اندازد.^۳

قرآن‌گرایی هم‌زمان او با از کار انداختن حدیث، چنان بود که می‌کوشید ضمن پایبندی بر گفتمان قرآنی، همه استدلال‌های خود را در همه علوم، قرآنی کند؛ حتی در فقه. وی در مقدمه رساله عملیه خود - که به توضیح المسائل نوین نام دارد - می‌نگارد:

این رساله تنها بر محور قرآن کریم و در حاشیه آن سنت قطعیه ...

در مجموع، پروژه مصلح قرآنی صادقی تهرانی را در ضرورت بازگشت همه چیز و به نحو همه جانبه به قرآن، هم‌زمان با نقادی حوزه حدیث محور، باید نقدی بر چارچوب رسمی فهم دین در مکتب امامیه قلمداد کرد.

۲-۱-۲-۲. خروج از اسلام حدیث محور (سیدکمال حیدری)

سیدکمال حیدری (زاده ۱۳۷۶ق) از شاگردان شهید سید محمدباقر صدر در عراق و از نواندیشان دینی مقیم قم، مدعی پروژه اصلاحی «الخروج من اسلام محورية الحدیث إلی

۱. نقدی بر دین‌پژوهی فلسفه معاصر، ص ۲۲۹.

۲. همان.

۳. پرسش و پاسخ از آیه الله صادقی تهرانی، مسئله ۴۳.

اسلام محوریة القرآن» است. وی در کتابی به همین نام،^۱ برنامه اصلاح دینی خود را با نام «اسلام قرآن محور» (نظریه اسلام محوریة القرآن) در مقابل «اسلام حدیث محور» یا اسلام علمایی، دنبال می‌کند. وی می‌گوید که با فرض پذیرش حدیث ثقلین^۲ و لزوم تمسک به عترت و سنت رسول الله ﷺ، اما سؤالی پیش می‌آید که با این فاصله زمانی واقعاً چگونه می‌توانیم به قول قطعی و بی‌شک و شبهه پیامبر ﷺ و اهل بیتش دست یابیم؟!

حیدری معتقد است که فعلاً قرآن برای شناخت دین کافی است؛ زیرا نه تنها روایات اهل سنت، که اغلب تحت تأثیر حکومت‌ها و فشارهای سیاسی حاوی انبوهی از خواسته‌های آن‌هاست، بلکه حتی اکثر روایات شیعی نیز به دلیل رویکرد واکنشی در مقابل آن‌ها، مشتمل بر انبوهی از ادعاها و دیدگاه‌های نامعتبر است.^۳ پس امروز، بی‌تعارف هیچ‌یک از منابع و موازین روایی و نیز مباحث و شاخه‌های حدیثی، نه قابل اعتبار و اعتناست و نه کارآمد و کارگشا؛ و تنها یک چیز قطعی من عند الله در دست ماست و آن قرآن است که باید به عنوان مرکز و محور منظومه اسلامی، همه معارف دینی از آن اخذ و به آن نیز عرضه و سنجیده شود.^۴ البته تذکر می‌دهد که ارجاع دادن روایات به قرآن به منظور تشخیص تطبیق یا عدم تطابق با آن، کاری ساده و پیش پا افتاده نیست، بلکه عملیاتی دشوار و فرایندوار است که منهج و منطق خود را می‌طلبد. وی بر آن است که شیوه‌ای خاص برای تحقق این مهم در کتاب «میزان تصحیح الموروث الروایی» ابداع نموده است؛ چنان‌که روایات به طور مطلق طرد و انکار نمی‌شوند، بلکه فقط ذیل میزان قرآن قرار می‌گیرند تا تنها اخبار معتبر و هماهنگ با مبانی قرآنی، در شناخت معارف دین مورد استفاده قرار گیرند و احادیث جعلی، نامعتبر و خلاف عقل قطعی و فطرت، از همان ابتدا مجال ورود به عرصه معرفت دینی را نیابند.^۵ پس مشخص است که حیدری معیار اعتبارسنجی احادیث را نه ملاک‌های رجالی و اسنادی، بلکه میزان مطابقت متن آن‌ها با قرآن بداند.^۶

۱. «من اسلام محوریة الحدیث إلى اسلام محوریة القرآن».

۲. رک: حدیث الثقلین سنداً و دلالةً.

۳. مفاصل الإصلاح فی الفكر الشیعی، ص ۴۵.

۴. رک: من اسلام محوریة الحدیث إلى اسلام محوریة القرآن، مقدمه.

۵. «چکیده‌ای از برخی مبانی و نظریات دین‌شناختی سید کمال حیدری»، به نقل از وب‌گاه اطلاع‌رسانی سید کمال حیدری.

۶. همان، ص ۳۲ - ۳۶.

بنابراین، از نظر حیدری، حدیث با این‌که تا کنون بیش از حدّ بها یافته، اما دیگر نباید محور اصلی دین باشد؛ بلکه تنها «قرآن و احکام قطعی عقلی» محورهای بنیادین دین‌اند و روایات آن هم با شرایطی، فقط نقش مفسّر اجمال‌های آن دورا به عهده دارند.^۱ با این تفسیر، وی مخالفت با سنت را نوعی تهمت بر خود می‌داند و تذکر می‌دهد که باید میان «سنت واقعی» - که معصومانه و نقدناپذیر است - با «سنت محکیه» - که غیر معصومانه و نقدپذیر است - تفاوت قایل شد.^۲ او در مواردی به صراحت اکتفای انحصاری قرآنیون را به قرآن، نادرست می‌خواند. از دید حیدری گرایش درست، «محور بودن قرآن و مدار بودن سنت»^۳ است که می‌تواند به نقش و جایگاه طولی سنت در برابر قرآن از دید وی تفسیر شود؛ هرچند این نظر تنها در حرف و حدیث وی تحقق یافته باشد، نه در عمل.

واقعیت، آن است عرضه به قرآنی‌ها، اگرچه در نظر قایل‌اند که اعتبارسنج همه مآثورات، قرآن است و باید همه را به آن عرضه داشت تا تنها سره مواریث، مورد بهره‌برداری قرار گیرند، اما در عمل نقش چندانی به سنت در منظومه دین نمی‌دهند. اگرچه تاکنون استنکاف دارند، اما برخی از اینان با این فرمانی که به جلومی‌روند، دور نمی‌نمایند که گونه‌ای از قرآنیون شکاک را در حوزه علمیه قم پدید آورند.

۲-۲-۲. بازخوانی حدیث و گفتگوی انتقادی با آن (صالحی نجف‌آبادی)

از خرده‌جریان‌های تعامل حداقلی با حدیث در حوزه معاصر قم، می‌توان به بازخوانی سنت و گفتگوی انتقادی با آن توسط صالحی نجف‌آبادی اشاره کرد. نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی (۱۳۰۲-۱۳۸۵ ش) نویسنده کتاب جنجال برانگیز «شهید جاوید»^۴ و از شاگردان آیه‌الله بروجردی بود که شیوه استاد را در مباحث حدیثی - رجالی و فقهی بسیار می‌ستود.^۵ برخی پروژه علمی صالحی را «خوانش مجدد متون دینی، فارغ از هژمونی مشهورات و مقبولات»^۶ می‌دانند. از این لحاظ او به جریان نواندیشی دینی نزدیک می‌گردد؛ اما

۱. میزان تصحیح الموروث الروایی، ص ۵۵.

۲. همان، مقدمه.

۳. من اسلام محوریة الحدیث الی اسلام محوریة القرآن، ص ۶۰ - ۶۱.

۴. بیش از سیزده کتاب در نقد آن نوشته شد که از این نظر شاید «شهید جاوید» بحث‌انگیزترین کتاب تاریخ معاصر حوزه باشد؛ و جالب این‌که نویسنده هیچ‌یک از نقدها را نیز نپذیرفت. صالحی در «عصای موسی» و «نگاهی به حماسه حسینی شهید مطهری» به عمده این نقدها پاسخ داد.

۵. «نگاهی به زندگانی و آثار آیه‌الله نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی»، به نقل از وبگاه اطلاع‌رسانی محمدعلی کوشا.

۶. «آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی و نواندیشی دینی»، به نقل از وبگاه اطلاع‌رسانی محمدعلی کوشا.

نواندیشی‌ای که در چارچوب خود دین دنبال می‌شود. صالحی در پارادایم سنت، به گفتگوی انتقادی با آن دست زد؛ و از منظر درون دینی - مذهبی به بازخوانی منابع حدیثی و تاریخی به منظور اصلاح و احیای فکر دینی همت گماشت. وی از همان دهه چهل شمسی ضمن نوشتن مقالاتی در نشریه‌های «تشیع» و «مکتب اسلام»، به نقد و بررسی احادیث پرداخت که از منظروی به نگرش عوامانه، غالیانه و خرافه به دین و مذهب و تاریخ اسلام دامن می‌زدند.^۱ صالحی در «جمال انسانیت یا تفسیر سوره یوسف» با خرده‌گیری و ردّ بیش از پنجاه روایت تفسیری، آیات ۴۳ تا ۹۴ این سوره را برخلاف اجماع مفسران فریقین تفسیر کرد.^۲ سپس در بررسی و تحلیل قیام امام حسین علیه السلام در کتاب «شهادت جاوید»، به زعم خود، برای نخستین بار «شیوه عقلانی» را جایگزین «شیوه عاطفی» نمود؛ اما او با اختلافی که در موضوع علم امام علیه السلام و هدف امام علیه السلام از حرکت به سمت کوفه در آن کتاب با جریان غالب سنت مداران قم پیش آورد، از جانب ایشان نواخته شد.

صالحی «غلو» و «ظاهرگرایی» را عامل رکود فکر شیعی، به ویژه پس از دوره علمای اعلام قرون چهار و پنج قمری می‌دانست^۳ و به ضرورت مبارزه با آن دو آسیب، اعتقاد جدی داشت. به این منظور، نقد حدیث، محور کارهای وی در حوزه قم شد. شاگردانش هنراورا پیدا کردن روایات جعلی می‌دانستند که به لحاظ سندی و ظاهری مشکلی نداشتند. وی معتقد بود افرادی که روایات را جعل کرده‌اند، سه دسته‌اند؛ اول، عده‌ای دشمنان قسم خورده که می‌خواستند آبروی اسلام را ببرند؛ دوم، کسانی بودند که اهل اباحه و لابی‌گری بودند؛ سوم، عاشقان افراطی بودند که فکر می‌کردند هرچه به ائمه اضافه کنند، به آنان خدمت کرده‌اند.^۴ بر این مبنا صالحی به نگارش کتاب‌های «حدیث‌های خیالی در تفسیر مجمع البیان»، «غلو؛ درآمدی بر افکار و عقاید غالیان در دین»، «عصای موسی؛ یا درمان بیماری غلو» و... دست زد.

«دلیل عقلی» برای اعتبارسنجی دلایل نقلی، در اندیشه صالحی جایگاه منحصر به فردی دارد. وی «همه چیز را از فیلتر عقل و پرسش‌گری عبور می‌داد... اگر قول متواتری را حجت می‌گرفتی، مثال‌ها می‌زد از اقوال متواتری که کذب بوده‌اند و حجیتی محکم‌تر می‌طلبید. او

۱. روحانیت و تجدد، ص ۴۱۷.

۲. همان، ص ۴۲۰.

۳. همان، ص ۴۲۶.

۴. نشست «ستیز با تحجرو غلو در عرصه دین»، به نقل از وبگاه اطلاع‌رسانی محمدعلی کوشا.

شک دکارتی‌اش را بر همه چیز می‌افکند.^۱ اهم رویکردهای اجتهادی وی این بود که باید ابتدا با عقل و سپس با قرآن، روایات را محک زد نه این که فهم قرآن مبتنی بر روایات باشد. وی معتقد بود در فقه و مبانی آن «بیشترین ارزش مربوط به "عقل" و در مرحله دوم مربوط به "نقل معتبر" (قرآن و روایات معتبره) است. ارزش "عقل و قرآن" برای سره و ناسره کردن روایات منقول و معیار بودن این دو مقوله، با ترتیب: ۱. عقل، ۲. قرآن، در تمامی رویکردهای تحلیلی او و در حوزه‌های مختلف معارف اسلامی، سیره مستمره او را در شیوه اجتهادی‌اش نشان می‌دهد.^۲

با این اشاره، آنچه در آرای صالحی بدیع به نظر می‌رسد، آن است که او علاوه بر نص قرآن، «روح قرآن» را - که عدالت است - معیاری عام‌تر برای پذیرش یا رد حدیث می‌دانست و بر مبنای آن به فتاوی‌اش شاذی تن می‌داد که فقیهان سنت مدار به آن تن نمی‌دهند.^۳ حتی بررسی‌های حدیث پژوهانه او تنها به نقدهای سندی یا فقه الحدیثی محدود نمی‌شد، بلکه وی «به نقد کاربردی معنای متن»^۴ نیز نظر داشت؛ به عنوان مثال، در مسئله زنان، با تأکید بر این مطلب - که ترویج برخی از مفاد روایات، هم موجب عقده از سوی زنان و هم موجب تقبیح آن از سوی حقوق‌دانان غیرمسلمان می‌شود - روایاتی را به کنار نهاد. حتی وی پس از بررسی احادیث یک موضوع با سنجه عقل و قرآن و نیز از جهت سند و متن، آن اخبار را «آنگاه با واقعیت‌های تاریخی تطبیق می‌داد که آیا مثلاً فلان روایت از جهت مضمون و محتوا، مطابق با واقعیت‌های محسوس و ملموس خارج از ذهن هست یا خیر؟»^۵ کاری که نه در حوزه معمول بود و نه انتظار هم‌دلی با آن می‌رفت.

در ادامه این خرده‌جریان، محسن کدیور (زاده ۱۳۳۸ ش) شاگرد صالحی، در نظریه موسوم به «علمای ابرار»، ضرورت بازخوانی انتقادی سنت و گفتگوی صریح با آن را به نحو شفاف‌تری ابراز کرد؛ به طوری که به نظر برخی، وی از اصول و مبانی تشیع فاصله گرفته و حتی از شماری عقاید شیعه روی‌گردان شده است.^۶

۱. «آیه الله صالحی نجف‌آبادی از پایه‌گذاران عقل‌گرایی بود»، همان.

۲. «یادی از آیه الله صالحی نجف‌آبادی»، همان.

۳. روحانیت و تجدد، ص ۴۲۷.

۴. «متدولوژی نقد حدیث در جریان روشن‌فکری»، ص ۲۴.

۵. «نگاهی به زندگانی و آثار آیه الله نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی»، به نقل از وبگاه اطلاع‌رسانی محمدعلی کوشا.

۶. درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر، ص ۱۸۲.

۲-۳. فروگاهی سنت؛ در جریان روشن فکری دینی

شاید بتوان از نظرگاهی این گروه اندیشه ورز تجدیدنظرطلب حوزوی را طیفی از همان جریان مشهور قرآنیون شیعه به شمار آورد؛ جماعتی که به فروکاستن نقش سنت در فرایند فهم دین اهتمام دارند. روشن فکری دینی یا نواندیشی دینی (Religious Intellectualism) خرده جریانی است که در چارچوب سنت های دینی و ارزش های گذشته زیست نمی کند، بلکه فراتر از آن و از منظر بیرونی به ارزیابی منابع و بازخوانی آموزه های دینی بر مبنای عقل مدرن می پردازد و فارغ از تعلق به چارچوب های رایج و خارج از آن، سعی در ارائه تعریف و تفسیری تازه از اسلام و مؤلفه های آن دارد.^۱ از این رو است که روشن فکری دینی یا همان تهذیب گرایی با رویکرد عقل گرایانه، پس از چهار دهه از فعالیت خود در حوزه علمیه قم، هنوز به یک جریان رسمی و فراگیر در این فضای سنتی شیعی تبدیل نشده است.^۲ روشن فکران دینی، حوزه را مروج اسلام سنتی و دین تقلیدی می دانند و خود را نماینده اسلام نوگرا و عقلانی و انسانی^۳ می شمارند. بنابراین، نواندیشی دینی، در برابر سنت و سنت گرایی قد علم کرده است؛ سنتی که حدیث و بلکه سنت (به معنای خاص)، عنصر اصلی مؤلفه آن است.

«اصلاح دین» به معنای پیراستن آن از غبار خرافه، بدعت و تحریف و «احیای دین» به قصد آراستن چهره آن و عنایت به جنبه های مغفول دین، عمده اهداف اعلامی این پروژه اصلاح و احیای فکر دینی است؛^۴ اهدافی که بی مهوری به سنت و تفریط در مواجهه با موارد حدیثی شیعی را موجب شده و رویکرد جزءنگرانه و تبعیض آمیزی را، در مقابل جامعیت در نگاه، بر آثار مکتب اهل بیت علیهم السلام در این طیف نوگرا فراهم آورده است؛ چنان که برای مثال در نقد خطای روش شناسی این جماعت در فهم دین و چگونگی بهره برداری ایشان از روایات، به گزینشی عمل کردن آن ها خرده گرفته اند که رویه «این افراد در این گونه نوشته ها این است که یک حدیث را گرفته و فهم دین خود را بر آن بنا نهاده است؛ در حالی که روایات فراوان دیگر از معصوم درباره نماز صادر شده است که ... برای شناختن دین نباید

۱. رک: «آیه الله صالحی نجف آبادی از پایه گذاران عقل گرایی بود»، به نقل از وبگاه اطلاع رسانی محمدعلی کوشا.

۲. رک: «از روشنفکری حوزوی تا روشنفکران حوزوی (پرونده نواندیشی در حوزه ۱)»، ص ۴.

۳. رک: تأملاتی بر قرأت انسانی از دین.

۴. «دفاعیه ای برای روشن فکری دینی، پرونده»، به نقل از وبگاه ماهنامه مهرنامه.

یک روایت را ملاک قرار داد.^۱

فلسفه دین، زبان دین، انتظار بشر از دین، قرائت‌های گوناگون از دین، گونه‌های قرائت از سنت در عصر مدرنیته، مطالعات زنان، مباحث هرمنوتیکی کتاب و سنت،^۲ عقلانیت و معنویت،^۳ دین در ترازوی اخلاق و اخلاق دین‌شناسی^۴ و... از مباحث مدرن در حوزه‌های دین‌پژوهی (فلسفه و کلام، اخلاق و قرآن‌پژوهی ...) است که این جریان نواندیش دینی در ادبیات فقه‌ای و سنتی قم وارد کرده است. از پروژه‌های در دست اجرای این جریان، اخلاق در مقابل فقه، و معنویت در مقابل شریعت است؛^۵ فقه و شریعتی که بدون قرآن و سنت پا نمی‌گیرد. البته شماری از اندیشمندان این جریان نواندیش از حوزه علمیه (و مراکز علمی تابعه چون دفتر تبلیغات اسلامی و دانشگاه مفید) به دیگر مراکز علمی (تهران و غرب) عزیمت کرده‌اند؛ اما آثار و اندیشه‌های آن‌ها هنوز در حاشیه حوزه بازتاب و هوادار دارد.

نتیجه‌همنشینی عناصر مدرن انسان‌گرایی، تعبدگرایی و عرفی‌گرایی در اندیشه این جماعت نواندیش، به دین فردی تقلیل یافته که با خلط عناصر فکری سنتی حوزوی، مفهوم روشن فکری دینی را تا حدودی متناقض می‌نماید. بر اساس عناصر پیش‌گفته، نواندیش بیش و پیش از بحث از «اهداف و وظایف دین»، از «انتظار بشر از دین» و از انتظار ما از پیامبران،^۶ فقه و سنت دم می‌زند.

این جریان که در مقابل گرایش و نگاه حداکثری به حدیث به عنوان منبع دین، قرار می‌گیرد، معتقد است دخالت گزاره‌های دینی یعنی قرآن و به ویژه سنت در همه عرصه‌ها و علوم دنیوی نه نیاز است و نه امکان پذیر؛ و در نتیجه حوزه دین را از دنیا جدا، و به معاد می‌کاهد.^۷ نتیجه بدیهی حصر دین در سعادت اخروی، انکار دخالت و حضور مؤثر آن در

۱. «نقد بر ابوالقاسم فنایی»؛ به نقل از وب‌گاه عبدالحسین خسروپناه.

۲. پروژه فکری محمد مجتهد شبستری (زاده ۱۳۱۵ش)؛ رک: کتاب‌های: هرمنوتیک، کتاب و سنت و سه‌گونه قرائت از سنت در عصر مدرنیته.

۳. پروژه فکری مصطفی ملکیان (زاده ۱۳۳۵ش)؛ رک: کتاب‌های: حدیث آرزومندی: جستارهایی در عقلانیت و معنویت و راهی به راهی: جستارهایی در باب عقلانیت و معنویت.

۴. پروژه فکری ابوالقاسم فنایی (زاده ۱۳۳۸ش)؛ رک: کتاب‌های: دین در ترازوی اخلاق: نسبت میان اخلاق دینی و اخلاق سکولار و اخلاق دین‌شناسی: پژوهشی در مبانی معرفتی و اخلاقی فقه.

۵. رک: پروژه‌های نواندیشان برخاسته از حوزه علمیه قم مانند: ابوالقاسم فنایی، مصطفی ملکیان، و... .

۶. رک: «انتظار ما از پیامبران»، به نقل از وب‌گاه محمد مجتهد شبستری.

۷. به نظرمی‌آید جریان مفسران علمی - تجربی قرآن، بر این گرایش بی‌تأثیر نبوده است؛ به ویژه آخرین سخن و نوشته مهندس مهدی بازرگان؛ رک: «آخرت و خدا هدف بعثت انبیا»، ص ۴۶-۶۱.

همه عرصه‌های دنیا (اجتماع، سیاست، ...) است. نظریه دین حداقلی روشن‌فکران (در عقاید، احکام و اخلاق) برآیند بینش تفریطی و نگاه اقلی این جماعت به مبانی و منابع (کتاب و سنت) است. در مجموع مستند به شواهد و قراینی، به نظر می‌آید جریان روشن‌فکری دینی حوزه، متأثر از سه ضلع برجسته جریان روشن‌فکری دینی معاصر یعنی: مهدی‌بازرگان، علی شریعتی و عبدالکریم سروش بوده و هست.

۲-۳. رویکرد تقابلی (مخالفان حدیث)

اشاره شد که در بحث از شناسایی رویکردها به حدیث، به دو طیف تأثیرگذار از جریان قرآنیان در حوزه معاصر قم برمی‌خوریم: «قرآن‌بسندگان در تفسیر» یا موافقان حداقلی تعامل با حدیث که گذشت و «قرآن‌بسندگان» یا منکران حدیث و مخالفان هرگونه تعامل با آن؛ که در ادامه می‌آید.

البته باید اذعان نمود که قرآنیون، گروهی یکدست و منسجم نیستند که با یک حکم کلی مورد داوری دقیق و منصفانه‌ای قرار گیرند؛ بلکه بسته به مذهب و جغرافیای دینی و فرهنگی و حتی محیطی که در آنند، گونه‌های چندی را به نمایش می‌گذارند.

۲-۳-۱. خرده‌جریان قرآن‌بسندگان حوزوی

جریان افراطی منکران حدیث را در شیعه، باید وابسته به جریان تاریخی «قرآنیون» در جهان اسلام دانست؛ جریان مدعی اصلاح فکر دینی در دو قرن اخیر که از دل اهل سنت، از شبه قاره هند تا شمال آفریقا، سربرآورد و با شعار «بازگشت به قرآن» و «مبارزه با خرافات» و «اتحاد مسلمانان»، سعی در حذف نقش سنت در هندسه مسائل و فهم دین داشت. قرآنیون با استدلال به برخی از آیات مُشیر به جامعیت و بی‌نیازی قرآن، حجیت روایات نبوی ﷺ را انکار و مراجعه به آن را - به منظور رفع اختلافات مذهبی - مردود شمردند.^۱ سرسید احمد خان (۱۸۱۷-۱۸۹۸م) مفسر مادی‌گرای هندی^۲ و پیشگام این جریان اعتقاد داشت اگر سنت را کنار بگذاریم و تنها به قرآن برگردیم، اختلافات رخت برمی‌بندند و یا به حداقل می‌رسند. تأویل‌های بی‌قاعده و قرینه و تفسیر به رأی‌های بی‌ربط و ضابطه‌از آیات، رهاورد اندیشه تفسیری جماعتی است که مدعی مواجهه خالص با قرآن بوده‌اند. این اندیشه سنت‌گریز، ریشه در قول خلیفه دوم «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» دارد.

۱. القرآنیون و شبهاتهم حول السنة، ص ۹۹.

۲. نویسنده «تفسیرا لقرآن و هو الهدی و الفرقان» که از سوره حمد تا آخر سوره نحل است.

جریان کلی «قرآن‌بسندگان شیعی» نیز به مانند نیای تاریخی خود، اعتقاد به اصالت قرآن و نفی حدیث دارد. اینان از شکاکان و مخالفان جدی تمسک به حدیث و هرگونه تعامل با آن به شمار می‌روند؛ چون *علة العلیل* عقب ماندگی مسلمانان را اختلافاتی می‌دانند که در اثر تعصب و پافشاری افراطی گروه‌ها و فرقه‌های مذهبی آن بر سنت‌های مورد قبول خود، از جمله حدیث، شکل می‌گیرد. بنابراین، چاره کار را در بازگشت و تمسک صرف به قرآن می‌دانند. اینان معتقدند که قرآن، اصل، کامل و جامع است و تنها سنت برجای مانده از پیامبر ﷺ است. بنابراین، حجیت حدیث را در فهم قرآن و دین، به شرط لا می‌شمردند؛ مثلاً برخی از آن‌ها معتقدند که اگر خداوند نمازهای پنج‌گانه را از ما می‌خواست، باید شیوه اجرای دقیق آن را نیز خود می‌فرمود، اما چون چنین نکرد؛ یعنی هدف اصلی و اولویت خداوند نبوده و البته نیز مطالبه اصلی خداوند از ما در قیامت نخواهد بود، بلکه آنچه مهم است نفس ارتباط با خدا، بای نحو کان، است!^۱

و اما «قرآن‌بسندگان حوزوی» نیز در سده اخیر، خرده جریان تجدیدنظرطلب در عقاید امامیه هستند که با همان زاویه نگاه تاریخی قرآنیون به قرآن و سنت، در حاشیه فضای علمی - دینی حوزه‌های علمیه از جمله در قم شکل گرفته‌اند. قرآن‌گرایی در عین سنت‌گریزی و نوع مواجهه تقابلی ایشان را با حدیث، می‌توان عکس جریان اخباری و نقطه مقابل آن در حوزه‌های دینی - علمی دانست. این رویکرد تقابلی و شکاکانه به حدیث، گونه‌ای عمیق و گسترده و جریانی پایدار در متن حوزه‌های علمیه شیعه نبوده و نیست؛ بلکه خرده جریانی است که هر از چندگاه در حاشیه حوزه سر بر می‌آورد و پس از چندی دیگر بار به محاق می‌رود.

مشهور این است سید اسدالله خرقانی نخستین کسی است که با شعار بازگشت به قرآن، شکل‌گیری جریان قرآنیان شیعه را در ایران رقم زد؛^۲ اما پس از وی این محمدحسن شریعت سنگلجی (۱۲۷۱-۱۳۲۲ ش) بود که برای نخستین بار با کتاب‌های «کلید فهم قرآن»، «توحید عبادت»، «اسلام و رجعت» و «البدع و الخرافات» این جریان را در حوزه علمیه قم،^۳ دنبال نمود و تعدادی از عقاید شیعی مبتنی بر روایات، از جمله «رجعت»، را انکار کرد. البته او

۱. «نقد و بررسی دیدگاه‌های قرآنیون درباره نماز»، ص ۱۳۷-۱۵۷.

۲. «نقد دیدگاه روش تفسیر قرآن به قرآن، قرآنیان شیعه»، ص ۵-۲۶.

۳. هفتاد سال خاطره از آیه الله سیدحسین بدلا، ص ۲۱۳-۲۱۴.

پاسخ‌هایی از سوی حوزه و زعمیم آن دریافت نمود. پاسخ مدیرانه حاج شیخ عبدالکریم حائری، به استفتایی درباره ادعای سنگلجی،^۱ ناظر به تنش‌زدایی در مرکز تازه بالیده شیعه، ارزیابی می‌شود.

سپس علی‌اکبر حکمی‌زاده (۱۲۷۶-۱۳۶۶ ش) تحت تأثیر این جریان و نیز متأثر از احمد کسروی در «مجله پرچم» مطالب تندی در ردّ اعتقادات شیعیان نوشت و کتاب «اسرار هزار ساله» را در قم منتشر نمود و امام خمینی علیه السلام کتاب «کشف الاسرار» را در ردّ آن نگاشت.^۲ عبدالوهاب فرید تنکابنی (۱۲۸۶-۱۳۶۰ ش) شاگرد دیگر سنگلجی، که از او و برقی و استادشان، به سلفی‌های ایرانی نام می‌برند، با حمله به روایات و سنت‌های شیعی، «رجعت» در امت اسلام را نپذیرفت و اعتقاد به آن را غلوآمیز پنداشت و در ردّ امکان رجعت، ضمن استناد به آیاتی از قرآن، اکثر روایات این باب را مجهول، مرسل و ضعیف شمرد.^۳ سید ابوالفضل برقی قمی (۱۲۸۷-۱۳۷۰ ش) از شاگردان شیخ عبدالکریم، مؤلف کتاب‌های «تابشی از قرآن» و «احکام القرآن» و «قرآن برای همه»، از تندروترین قرآن‌بندگان در حوزه قم بود. وی قرآن را «حجت کافیه»^۴، «قابل فهم برای همه»^۵ و «کتابی که به تفسیر احتیاج ندارد»،^۶ توصیف نمود؛ چنان که در معنا و تفسیر آیه تطهیر^۷ تنها به استناد سیاق و بدون توجه به روایاتی که از نزول مستقل آن خبر داده‌اند، آیه را به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داد.^۸ وی با این دیدگاه، منابع روایی شیعی از جمله «الکافی» و «بحار الانوار» را مملو از احادیث ضد قرآن و عقل می‌دانست. وی که به گاه عمل، به پاره‌ای از عقاید خود پشت پا می‌زد،^۹ مجبور شد از قم به تهران عزیمت کند و برخی از کتاب‌هایش را در عربستان به چاپ برساند.^{۱۰} برقی بر برخی طلبه‌های جوان حوزه و نیز جوانان مذهبی مرکز تأثیرگذار بود.

۱. «حائری، حاج شیخ عبدالکریم»، به نقل از وب‌گاه مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

۲. رک: ماجرای کتاب اسرار هزار ساله، ص ۱۹۵-۲۰۳.

۳. «بررسی آراء عبدالوهاب فرید تنکابنی و سید ابوالفضل برقی در نقد عقیده رجعت»، ص ۴۶.

۴. تابشی از قرآن، ج ۱، ص ۱۵.

۵. همان، ص ۲۱.

۶. همان، ص ۲۵.

۷. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۸. تابشی از قرآن، ج ۲، ص ۴۱۲.

۹. طبیب خود ساخته؛ چند روایت از زندگی استاد حسن عرفان، ص ۲۳۲ و ۲۷۸.

۱۰. «شخصیت‌شناسی و منبع‌شناسی قرآنیون»، ص ۱۳۵-۱۵۷.

سیدمصطفی حسینی طباطبایی (زاده ۱۳۱۴ش) - که بعدها در تهران به تأسی از استادش کتاب «نقد کتب حدیث» را نوشت - پس از خدشه وارد کردن بر اعتبار، متن و سند بسیاری از احادیث، کتاب «قرآن بدون حدیث هم قابل فهم است» را نگاشت.

جمع بندی و نتیجه گیری

۱. نگره «قرآن محوری و حدیث مداری» علامه و «دوگانه محوری» مشهور فریقین، نمایندگان گرایش اعتدالی اند که تعاملی متعادل، عالمانه و هوشمندانه با حدیث برقرار کرده اند. دیدگاه علامه بر جامعیت انحصاری قرآن تأکید دارد و نظریه مشهور بر اصالت و منبعیت حدیث در جنب قرآن.
۲. قرآن بسندگان در تفسیر یا خرده جریان های عرضه به قرآن، در تعامل حداقلی و با نقد حیثیت استقلالی حدیث و در ضمن ضرورت عرضه حدیث بر قرآن، در واقع به نقد اسلام حدیث محور می پردازند. دو خرده جریان دیگر این رویکرد، یعنی روشن فکری دینی که اهتمام به فروگاهی نقش سنت در هندسه فهم دین دارد، و صالحی نجف آبادی که به بازخوانی و گفتگوی انتقادی با حدیث معتقد است، نیز در تعامل تفریطی با حدیث هستند.
۳. گرایش های افراطی در رویکرد تعاملی با حدیث، به تعامل و جذب حداکثری از آن می اندیشند. این رویکرد، بیشترین جریان ها و خرده جریان های مرتبط با حدیث را در حوزه علمیه قم نمایندگی می کند؛ یعنی فرهنگستان علوم اسلامی، دغدغه مندان احیای نهج البلاغه، گروه باطنی - عرفانی، نص گرایان معاصر، تفکیکان، و مدعیان طب اسلامی.
۴. قرآن بسندگان متأثر از قرآنیون تاریخی، تنها نماینده جریان رویکرد تقابلی و مخالفان افراطی حدیث در حاشیه حوزه علمیه قم است.
۵. نقش نوگستری سنت در نگره مشهور، امکان راهیابی به عوالم جدید حدیثی را میسر می کند. شروع جریان شکوفایی همه جانبه و مطالعات جدی و روشمند حدیث در دهه های اخیر تحقق این مهم را نویدبخش است. منطق فهم پیشرفته حدیث و گفتگوی مشارکتی گام به گام میان محدثان و دانشمندان علوم، ابزار و راه کار نظریه پردازی و تولید علم دینی است؛ که در میان پژوهشگران حوزه علمیه قم رو به گسترش روزافزون است.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی امیرالمومنین علیه السلام، شصتم، ۱۳۹۵ش.
- اخلاق دین‌شناسی: پژوهشی در مبانی معرفتی و اخلاقی فقه، ابوالقاسم فنایی، نگاه معاصر، ۱۳۸۹ش.
- التطير و الشعائر الحسينية في فتاوى العلماء و مراجع الامه، بی‌نا، اول، ۱۴۲۷ق.
- الگوی اسلامی شادکامی با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا، عباس پسندیده، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، اول، ۱۳۹۲ش.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۸ش.
- بنیان مرصوص: فلسفه اسلامی از نگاه مکتب تفکیک، حسین مظفری، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، اول، ۱۳۸۶ش.
- پرسش و پاسخ از آیه الله صادقی تهرانی، گودرز نجفی، امید فردا، اول، ۱۳۸۸ش.
- تاریخ حدیث شیعه، سید محمدکاظم طباطبایی، ج ۲، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، چهارم، ۱۳۹۶ش.
- تأملاتی بر قرائت انسانی از دین، محمد مجتهد شبستری، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۳ش.
- تبیین مفهوم مدیریت اسلامی، محمدتقی مصباح یزدی، مشکات، بی‌تا.
- تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، ابن شعبه، حسن بن علی، مؤسسه النشر الإسلامی، اول، ۱۳۶۳ش.
- ترجمه تفسیرالمیزان، محمدحسین طباطبایی، ۲۰جلد، دفتر انتشارات اسلامی، پنجم، ۱۳۷۴ش.
- تفسیر اثری جامع، محمد هادی معرفت، مترجم جواد ایروانی، ج ۱، تمهید، اول، ۱۳۹۰ش.
- تفسیر تسنیم، ج ۱، عبدالله جوادی آملی، اسراء، اول، ۱۳۷۸ش.
- تفسیر سوره حمد، سید روح الله خمینی علیه السلام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۵ش.
- جریان‌شناسی فکری ایران معاصر، عبدالحسین خسروپناه، دفتر نشر معارف، اول، ۱۳۹۴ش.

- حدیث آرزومندی: جستارهایی در عقلانیت و معنویت، مصطفی ملکیان، نگاه معاصر، اول، ۱۳۸۹ش.
- حوزه‌ها و مکاتب حدیثی، مهدی مهریزی، دارالحدیث، دوم، ۱۳۹۸ش.
- طیب خودساخته؛ چند روایت از زندگی استاد حسن عرفان، سیدمهدی میرمسیب، پیک سروش، اول، ۱۴۰۰ش.
- درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر، مجید معارف، سعید شفیعی، سمت، دوم، ۱۳۹۶ش.
- دین در ترازوی اخلاق: نسبت میان اخلاق دینی و اخلاق سکولار، ابوالقاسم فنایی، صراط، ۱۳۸۴ش.
- رابطه متقابل کتاب و سنت، علی نصیری، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول، ۱۳۸۶ش.
- راهی به رهایی: جستارهایی در باب عقلانیت و معنویت، مصطفی ملکیان، نگاه معاصر، اول، ۱۳۸۱ش.
- رضایت از زندگی، عباس پسندیده، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، اول، ۱۳۸۴ش.
- روحانیت و تجدد، عبدالوهاب فراتی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول، ۱۳۸۹ش.
- روش فهم حدیث، عبدالهادی مسعودی، سازمان سمت و دانشکده علوم حدیث، یازدهم، ۱۳۹۶ش.
- روش فهم عمومی متون دینی با رویکرد روان‌شناختی، عباس پسندیده، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، اول، ۱۳۹۹ش.
- سه گونه قرآنت از عصر مدرنیته، محمد مجتهد شبستری، صراط، ۱۳۸۱ش.
- سیری در آثار علامه سیدمحمدحسین طهرانی، شعیب حدادی و سید محمود هاشمی نسب، دلیل ما، اول، ۱۳۹۹ش.
- الشمس المنيرة، السيد محمد محسن الحسيني الطهراني، مكتب وحی، اول، ۱۳۸۹ش.
- صراط النجاه فی اجوبه الاستفتائات، السيد ابوالقاسم الموسوی الخویی، القسم الاول، محشی: جواد تبریزی، دارالصدیقة الشهيدة عليها السلام، [بی جا]، اول، ۱۴۱۶ق.
- الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، محمد صادقی تهرانی، فرهنگ اسلام، ۱۳۶۳ش.
- فقه القرآن، سعید بن هبه الله قطب راوندی، ج ۲، کتابخانه مرعشی نجفی، اول، ۱۴۰۵ق.

- فقه گویا؛ نقد و بررسی فقه سنتی، محمد صادقی تهرانی، امید فردا، ۱۳۸۰ش.
- القرآنیون و شبهاتهم حول السنة، خادم حسین الهی بخش، مكتبة الصديق، اول، ۱۴۲۱ق.
- ما سمعت ممن رأیت، سید مجتبی بحرینی، ج ۲، ژیکان، اول، ۱۴۰۰ش.
- متأله قرآنی، محمد حکیمی و محمد علی رحیمیان فردوسی، دلیل ما، دوم، ۱۳۸۳ش.
- مستدرک سفینه البحار، علی نمازی شاهرودی، انتشارات جامعه مدرسین، اول، ۱۳۷۵ش.
- معرفت قرآنی، محمد هادی معرفت، دانشگاه مفید، اول، ۱۳۹۵ش.
- مفاتیح الصحه فی طب النبی ﷺ، سید محمود موسوی (دهسرخی)، مولف، اول، ۱۳۷۷ش.
- مفاصل الإصلاح فی الفكر الشیعی، سید کمال حیدری، مؤسسه فرهنگی امام جواد علیّه، اول، ۱۴۳۸ق.
- مفت خواران از دیدگاه کتاب و سنت، محمد صادقی تهرانی، شکرانه، اول، ۱۳۹۲ش.
- مکاتب تفسیری، علی اکبر بابایی، ج ۲، سمت، اول، ۱۳۸۶ش.
- مکتب اخلاقی عرفانی نجف اشرف، سید محمد سعید شفیعی، خلق، اول، ۱۳۹۹ش.
- مکتب تفکیک، محمدرضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اول، ۱۳۷۵ش.
- من اسلام محورية الحديث إلى اسلام محورية القرآن، سید کمال حیدری، مؤسسه فرهنگی امام جواد علیّه، اول، ۱۳۹۶ش.
- منطق فهم حدیث، سید محمد کاظم طباطبایی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، اول، ۱۳۹۰ش.
- میزان تصحیح الموروث الروایی، سید کمال حیدری، مؤسسه فرهنگی امام جواد علیّه، اول، ۱۴۳۷ق.
- نظریه تفکیک یا روش فقها و علماء امامیه در فهم معارف حقه، سید جعفر سیدان، پارسیران، اول، ۱۳۸۸ش.
- نقدی بر اخباری گری، سید میرآقا محسنی، دارالنشر، اول، ۱۳۷۱ش.
- نقدی بر دین پژوهی فلسفه معاصر، محمد صادقی تهرانی، امید فردا، اول، ۱۳۸۶ش.
- وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی علیّه، سید روح الله موسوی خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیّه، ۱۳۹۸ش.
- هرمنوتیک، کتاب و سنت، محمد مجتهد شبستری، طرح نو، ۱۳۷۵ش.
- هزار و یک کلمه، حسن حسن زاده آملی، ج ۱، بوستان کتاب، ششم، ۱۳۹۰ش.

- هزار و یک نکته، حسن حسن‌زاده آملی، رجاء، هشتم، ۱۳۹۲ ش.
- هفتاد سال خاطره از آیه الله سیدحسین بَدَلَا، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اول، ۱۳۷۸ ش.
- «آخرت و خدا هدف بعثت انبیا»، مهدی بازرگان، کیان، سال ۱۳۷۴ ش، شماره ۲۸.
- «بررسی آراء عبدالوهاب فرید تنکابنی و سید ابوالفضل برقعی در نقد عقیده رجعت، سیدعلی محمد طبعی»، دو فصلنامه امامت‌پژوهی، سال ۱۳۹۶، دوره: ۷، شماره: ۲.
- «بیش از این آب را گل نکنیم؛ مرور تاریخی بر قوه نزع با فلسفه اسلامی»، سید مجتبی مجاهدیان، ماهنامه معارف، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۹۵.
- «تعامل حدیث با دانش‌های بشری»، عبدالهادی مسعودی، فصلنامه حدیث حوزه، سال دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، شماره ۳.
- «تفکر حکیمی ضد روش و ضد واقعیت است»، ابراهیم فیاض، ماهنامه مهرنامه، ۱۳۹۴، شماره ۴۶.
- «حائری یزدی، عبدالکریم»، محمد رئیس‌زاده، دانش‌نامه جهان اسلام، ج ۱۲، اول، ۱۳۹۳ ش.
- «حوزه عرفانی؛ گرایش‌ات عرفانی در حوزه‌های علمیه ایران معاصر»، مهدی فدایی مهربانی، دو ماهنامه سوره اندیشه، (۶۸-۶۹) شماره دوازدهم.
- «درآمدی بر روش‌شناسی فهم معارف روانشناختی از احادیث»، عباس پسندیده، فصلنامه علوم حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، دوره ۱۲، شماره ۳-۴.
- «روش فهم روان‌شناختی متون دینی (فرمد): بررسی تک متن»، عباس پسندیده، فصلنامه پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی، دوره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره ۶.
- «شخصیت‌شناسی و منبع‌شناسی قرآنیون»، زهره اخوان مقدم و سیدمجید نبوی، فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال پانزدهم، زمستان ۱۳۹۶، شماره ۵۷.
- «فرهنگستان علوم اسلامی در ترازوی علم: اشاراتی به ظرفیت‌ها و نقاط ضعف فرهنگستان علوم اسلامی قم»، احمد رهدار، دو ماهنامه سوره اندیشه، سال دوازدهم، اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۲، شماره ۶۸ (پیاپی ۶۹).
- «متدولوژی نقد حدیث در جریان روشن‌فکری»، بهزاد حمیدیه، روزنامه رسالت، ۱۳۸۵/۳/۳۱.
- «نسل دوم حدیث‌پژوهی؛ معنا، مبنا و روش»، عباس پسندیده، فصلنامه علوم حدیث، تابستان ۱۴۰۰، دوره ۲۶، شماره ۲.

- «نقد دیدگاه روش تفسیر قرآن به قرآن، قرآنیان شیعه»، علی تصدیقی شاه‌رضایی و سید رضا مؤدب، مجله پژوهش دینی، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، شماره ۲۹.
- «نقد و بررسی دیدگاه‌های قرآنیون درباره نماز»، محمدعلی تجری؛ فاطمه زین‌الدینی؛ سید محسن خلیلی نژاد، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال ۶، مهر ۱۳۹۴، شماره ۲۲.
- «وحی قرآنی و وحی بیانی»، احمد عابدی، فصلنامه اندیشه نوین دینی، سال چهارم، تابستان ۱۳۸۷ش، شماره سیزدهم.
- «ادوار اخباری‌گری»، ابوالقاسم علی دوست، وب‌گاه سلسبیل، ۱۶ آبان ۱۳۹۹ش.
- «انتظار ما از پیامبران»؛ سخنرانی در دانشگاه صنعتی اصفهان، وب‌گاه محمد مجتهد شبستری، ۱۳۸۷/۱۲/۳ش.
- «آیه الله صالحی نجف‌آبادی از پایه‌گذاران عقل‌گرایی بود»، عمادالدین باقی، وب‌گاه اطلاع‌رسانی استاد کوشا، ۱۳۹۶/۱۰/۱۶ش.
- «آیه الله صالحی نجف‌آبادی و نواندیشی دینی»، رضا بابایی، وب‌گاه اطلاع‌رسانی استاد کوشا، ۱۳۹۶/۱/۹ش.
- «بررسی جریان فرهنگستان علوم اسلامی قم»، سوده هرمزان و زهرا علیمردانی، قسمت سوم، خبرگزاری دانشجو، ۲۱ شهریور ۱۳۹۰ش.
- «پرداختن به علم تاریخ حدیث در رأس واجبات حوزه علمیه قرار دارد»، احمد مبلغی، خبرگزاری خبرآنلاین، ۲۱ مرداد ۱۳۹۶ش.
- «پیام به مناسبت افتتاح مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث»، سیدعلی خامنه‌ای، وب‌گاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیه الله سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۸/۲۲ش.
- «پیش‌فرض‌های طب اسلامی: پرسش‌هایی برای پژوهش»، آیه الله محمدتقی مصباح‌یزدی، وب‌گاه اطلاع‌رسانی آیه الله محمدتقی مصباح‌یزدی، ۱۳۸۵/۱۲/۱۰ش.
- «حائری، حاج شیخ عبدالکریم»، علی تولایی، وب‌گاه مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، آخرین بروزرسانی: شنبه ۱۸ بهمن ۱۳۹۹ش.
- «حدیث‌گرایی، اتوریته مذهبی و مشکل اسلام معاصر»، حسن انصاری، وب‌گاه مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۵/۶/۳ش.
- «درس کلام: دیدگاه فرهنگستان علوم اسلامی»، استاد ربانی، وب‌گاه مجازی مدرسه فقهات، ۱۳۹۵/۶/۲۱ش.

- «دفاعیه‌ای برای روشن فکری دینی»، پرونده، وبگاه ماهنامه مهرنامه، ۲۴ ژوئن ۲۰۱۲ م.
- «روش معظم له در تدریس و ویژگی‌های آن»، وبگاه دفتر آیه الله سید موسی شبیری زنجانی، ۲ شهریور ۱۴۰۱ ش.
- «طب اسلامی و جایگاه طب در روایات معصومین (علیهم السلام)»، گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین تبریزیان، خبرگزاری حوزه، ۶ خرداد ۱۳۹۴ ش.
- «معرفی مؤسسه»، وبگاه الکترونیکی مؤسسه معارف اهل بیت (علیهم السلام): maaref.org.
- «مکتب معارفی و ضرورت انتقاد علمی»، حسن انصاری قمی، کانال تلگرام از بررسی‌های تاریخی، ۷ آبان ۱۳۹۶ ش.
- «نگاهی به زندگانی و آثار آیه الله نعمت الله صالحی نجف‌آبادی»، محمدعلی کوشا، وبگاه اطلاع‌رسانی استاد کوشا، پاییز، ۱۳۹۵ ش.
- نشست «ارزش و جایگاه تحقیقات و پژوهش‌های حدیثی دوره معاصر»، مهدی غلامعلی، خبرگزاری حوزه، ۱۸ آذر ۱۳۹۸ ش.
- نشست «ستیزبا تحجرو غلور در عرصه دین»، محسن کدیور، وبگاه اطلاع‌رسانی استاد کوشا، ۱۶/۱۰/۱۳۹۶ ش.
- نشست علمی «تعامل حدیث و دانش‌های بشری» عبدالهادی مسعودی، وبگاه دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان، ۲۵ آذر ۱۳۹۹ ش.